

تاریخ انگلند

آثار زمانه رومیان - بسیار بندرت چیزی دیده میشود از آثار این قوم و آنچه که مشاهده می شود لشکرگاه ها و حصارها و طرق است که بجهت لشکریان کشیده اند و نیز سنگها بسیار و اسباب و ساز و سامان خانگی و جنگی بیشمار است - مابین نیوکاسل و گرتیشیل که دو بندر اند در دو جانب ملک به سواحل دریا جدا میکنند خاک انگلند از اسکاتلند و میان دیوارهای کشیده اند که ابالی انگلند از دستبرد و تاخت و تاز اهل اسکاتلند محروس و مصئون باشند و یک دیوار دیگر هم ساخته اند از سنگ که ۶۸ میل طول آن است - همه قلاع ملک انگلند که جزو اخیر نام آنها چستر و سستر و بزرگ اکثر مورخین و نویسندگان محل سکونت رومیان بوده پسند که این الفاظ بمعنی لشکرگاه اند -

آثار زمانه گات ها - آثار و علامات قوم گات معابد و کلیساها می است که در او تاریخ عیسوی ساخته اند که دلیل است بر زهد و پرستشکاری و دینداری در آن زمان چنانچه معابد و کنشست های بزرگ متعددی هستند که در غایت علو و خوبصورتی ساخته اند و بهترین آنها کن معابدی است که در این ناطق استند یارک
 لینگان لیتچیلد سلیشبری گرتیشبری و چچستر - و نیز
 آثار زمانه مذکوره عماراتی است که بصورت صلیب بنا کرده اند بسیار خوش وضع و یک ضریحی کوچک در زیر آنها ساخته اند -

آثار زمانه وین ها - از آثار و علامات این قوم فقط چیزی که بجا مانده است

معنی لشکرگاه

معنی لشکرگاه

معنی لشکرگاه

معنی لشکرگاه

معنی لشکرگاه

معنی لشکرگاه

معنی لشکرگاه

تپه های خاک و لشکرگاه با است که امتیاز دارند از لشکرگاه های رومیان باینکه از آنها
مردور است و از رومیان مرتفع -

خلقت - اجزای خلق انگلند را از روی تاریخ و اخبار ایشان میتوان برین
چیز صنف قرار داد یعنی در اصل و نژاد - در قدیمی ترین ازمینه باشندگان ملک
انگلند قبایل و طوایفی بودند که ایشان را میخوانند سلت یا گال که ستمل از سول
ملک فرس آمده بودند در این ملک و هر چند که رومیان این ملک را گرفتند و
روزگاران و رقبته خود داشتند مگر از قوم خود کسی را در این ملک ساکن نگذاشتند
و ستمل که امتزاج و اختلاط این قوم چندان تغییر می بجالت ساکنان قدیم این ملک است
ولیکن چون انگلند و سکسون در صد سال پنجم و ششمین عیسوی حمله بر ملک مذکور
آوردند خلق جدیدی از قوم انگلند (یعنی انگلیش) داخل و ساکن شدند اراضی بسیار
آباد و معمور و مسرین برای ملک را و ساکنان قدیم آن اراضی را که سلت یا باشندگانند
بحد و مغرب مگر هیچ و جغرافیا نروائی دین با و ناز من تغییر و تبدیلی نداد و با صلت
مرومانی که الان یعنی فی زمانه آنها در این ملک سکونت دارند بعبارة اخری این قوم
انگلیش که الان باشندگان این ملک اند مخلوط با قوم دیگر نفعده اند و چنین مینمایند
ساکنان جوانب شرقیه رود سوردن و اکس هم کتی خالی از امتزاج و اختلاط
با دیگر طوایف باشند حالکونی که اهل کانتونال و ونیز و جزیره من پینچ
و شبهه نیست که از ذوات سلت هستند -

سکسون
سکسونان

ملک اسکاتلند

جغرافیا

اسکاتلند قسمت شمالی ملک انگلند است نهایت طول این زمین از شمال جنوب یا جزایر کیبر
گرواگروا آن واقع اند ۴۵۶ میل است و عرضش ۲۵۰ میل و وسعت آن میل مربع ۳۰۰۰۰
میل است - سطح این ملک بیشتر کوستان است و نشیب و فراز و بادیه های این ملک اغلب
لم یزرع است و قابل زراعت نیست - جزایر خوروی که پیرامون اسکاتلند است بیش از
۷۰۰ جزیره است که در پنج جایک باجمع اند یعنی پنج دسته اند گوردوکیجا واقع اند که هر یک
این ملک از ۱۰۰ میل طولی تر و از ۴۵۰۰ فوت رفیع تر نیستند و بواسطه زیادتى که هست
و نشیب و فرازی که این ملک است بادیه ها و دشتهای آن بسیار کم و بسیار کم وسعت اند
چنانچه وسیع ترین دشتهای آن ^۱شترتور است که از یکصد میل طولی تر و از ۵ الی ۱۰ میل
عرض تر نیست - رودهای اسکاتلند از ۱۰۰ میل طولی تر نیست و هیچ یک از آنها قابل
مسافرت فی کوهنپن انگیرهای این ملک بسیار کوچک و بی متعهدند -

جغرافیای اهکاتند

هوا - هوای اهکاتند بسیار عجیب است بحسب ملائمت و سلامتی و بسیار مناسبت
بجهت تقویت قوای ظاهریه و حواس باطنیه انسانی و سردتر است از هوای انگلستان و
بنابر این قابل پرورش بسیار سیوه با و اشجار نیست و لیکن بواسطه قرابت و نزدیکی اطراف
آن بدریا هوای آن معتدل تر است از هوای دیگر جایی که در همان خط واقع اند و غایت
اعتدال هوا در ملک اسکاتلند از ۴۷ درجه کم و زیاد نیست و بارش این ملک در تمام ایام
سال روی هم رفته از ۲۲ اینچ است الی ۳۳ اینچ در حد و شرقیه و از ۳۰ اینچ است
الی ۴۴ در حد و غربیه -

خاک - بواسطه جبال و پست و بلند و سردی و سردی که در طبیعت این ملک است کم از
چهار یک قسمت آن بیشتر در زراعت نیست مگر وشتهها و پادیه های آن بغایت سرسبز و حاصل
خیز است و در غایت کمال و نهایت هنرمندی زراعت میشود و از هر گونه نباتی بحیاط
میرود و آنچه بعضی از کوههای آن همی نهایت از برای چراگاه حیوانات خوب است
حاصل - حاصل این ملک از جانورانچه در آنکند است در این ملک هم یافت میشود علاوه
یا بوی خورد اندامی و در ذات جانور دیگر هم خاص است این ملک را یکی از آنها یکذرات
سگی است که شبانان را بسیار پسندیده است و دیگری شتایدیمی از گوسفند باشد -

از طبیعت چند قسم عقاب و خروس جنگلی و دیگر طیوری که در آنکند یافت میشوند و بل یافت میشود
در اسکاتلند ساز قسم ماهی یک ذات بیش ندارد - سنگ قیمتی چند قسم دارد که بطور واقع صخر
نمیباشد مگر هر یک را جز آنکه از قراری که در فرهنگ بیان میکند یکی باید مرجان باشد و دیگری

۱۰۵ جغرافیای اسکاتلند

که بر باد دیگری حقیق یک قسم دیگر از سنگ هست که آنرا بله اشمن میگویند.

خلق و زبان - مردم کوہستان از ذات سلت اند و هنوز بلغت قدیم همان قوم محکم

میکنند و مردم دشتستان از ذات تیومان اند و بیک رشته از لغت انگریزی محکم اند و مردم

جزایر انیلک از ذات دیگری هستند (از اهل شکندرتیویا) - در این نسبت سال اخیر بسیاری

از محنت کنندگان آیرلند نقل مکان کرده و سکونت گزیده اند در اسکاتلند و در شهرهای عظیم این

ملک اقامت کرده اند - خلقیت این ملک با تمامه در سال ۱۸۶۱ تخمین شده بقدر

۳۲۶۰۰۰۰ نفس بود - و از الملک انیلک شهر ادیشیر و است که دو ملک خلقیت دارد

محنت و مشغل - تقسیم محنت کنندگان پیشه در این ملک بموجب ذیل است -

کارگران و کسانیکه بمینو فکری یا کارهای دستی مشغول اند

۳۶

زارعین

۲۲

کنندگان معادن

۱۰۰۱۶

تجار

۱۰۴

دیگر اصناف

۱۴۴

حرق و شوارع - در ملک اسکاتلند طرق و شوارع بسیار خوب و ممتاز است و در این اوقات

بر بسیاری از جبال و اراضی کوہستان معابر و شوارع جاری شده و از آنجمله بقدر ۴۰۰۰ میل

معبر عام دارد و همه درست و پاکیزه ۲۶۱۲۵ میل ریلوی دارد و ۲۱۲ میل رود دارد که در آن

مسافرت میشود یعنی کشتیها و آرناروان اند - تلگراف کشیده شده است مابین تمام بلاد

و همواره معروفه آن ملک بلاد و همواره عظیمه انگلند و دو قاره گراف هم از آن ملک آیرلند جاری است -
 مذہب و تربیت - در اسکاتلند همچنانکه در انگلند بجای امر مذہب اختیار می و بطور آزادی است
 مگر عمده مذہبی که در این ملک شیوعش پیش از همه است مذہب پرنسپال پرتیری است و لیکن
 مذہب و طرق دیگر هم بسیار است در اسکاتلند - علم و تربیت بغایت انتشار دارد و در تمام
 ملک اسکاتلند و بموجب یک قانون و اصولی که در پرتیریش^۱ با قرار داده اند هر صنفی از اصناف
 اطفال فقرا و مساکین بقدر ضرورت خواندن و نوشتن می آموزند و بجهت درجه اعلا تر تحصیل
 علوم مدرسه باسی خائنه ترتیب نموده اند که در این فقره مخصوص ملک اسکاتلند معروف است
 یعنی اواسط ناس بخوبی تربیت میشوند و علم می آموزند -
 حکومت - این ملک را از سال ۱۷۰۷ که اسحاق یافت بانگند حکومت جدا گانه از خود
 نیست یعنی ریاست و پادشاهی علاحده ندارد مگر قوانین قدیم خودش بهمان وتیره و وضع خاص
 که وار و جاری است که ملایم تر و سهل تر است از قانون انگلند -

این پرتیریش نام آن است که
 بگویند که در وقت اسحاق پرتیریش
 ملا متعلق بیک کلیسا است

تاریخ

وجه تسمیه اسکاتلند بنیاسبت قومی است که ایشان را مینامند اشکات که حلال و وطن اختیار
 کرده بودند از ملک آیرلند در اواسط صد سال ستمین و ششمین عیسوی که پادشاه شان ملک
 پیکت برابر اسحاق داد بملک خود در سال ۵۲۰ عیسوی و لیکن از تاریخ این ملک بطور
 واقع و حکاکان اطلاعاتی حاصل نیست تا زمانی که سه او و زو نخستین انگلند را با این ملک

۱۰۶ تاریخ اسکاتلند

واقع شد که آنها دعوی بزرگی و مطامعی می نمودند بر اهل پادشاهان این ملک بموجب قانون رسم فیو دل که در آن زمن جاری و مروج بود۔

ویتم و لیس۔ یکی از شرفا ولی گم نام اسکاتلند برخواست و اراده کرد که ملک اسکاتلند را بی حلاقه یعنی مستقل سازد از نکلند بگر جان خود را در سزای کار بد او لیکن شخص دیگری بنام رابرت برکوس باین خیال کمربست و مطلقه منصور گشت و جنگی نمود در جایی که می نامند بیشاک برن که در آن فتح و غالب گشت (در سال ۱۳۱۴) و ملک اسکاتلند را مستقل ساخت۔
مبیره این شخص مذکور اولین شخص خاندان استوارت بود که در بین ایام فرمان روائی شان غالباً اسکاتلند در حالت بی انتظامی بود و اعتدشاش مالکونی که پادشاهان نکلند بر در ایام فتح گشتند که قوت و استیلائی امرا و بزرگان ملک خود را که بموجب رسم فیو دل داشتند تضعیف و بند و کم کم معدوم و پایمال سازند و قلاع و حصارهای ایشان را منهدم نمایند ولی ملک اسکاتلند بواسطه وضع و حالت طبیعی خود یعنی همه کوهستان بود و نیز بواسطه آنکه بزودی ممکن بود تعمیر و ساختن قلاع و غیره بجان حالت بدبختی باقی ماند در تحت رسم فیو دل در کمال آفت و پراختن و شر و فرمانروایان آن پیوسته با امرا و جنگس جلال بودند و حکومت انگلستان نیز مکرراًش تازع و جدال آنها را شتمل می ساخت تا آنکه در عهد مری اشتعال این آتش را بدوی دیر و دیگر آن فتنه را جوش بر مزید شد بواسطه آن که در سبب من کتلیک را امرا و اعظم ملک اسکاتلند تغیر دادند و این مخالفت عقیده ملکه ایشان (مری) بود و ملکه انگلند الیزابت جانب امرا و اعظم را رعیت نمود و حمایت از ایشان کرد و امرا در رعیت مری را از تحت فرمان

تاریخ اسکاتلند

آوردند و الیزبیت اورا حبس نمود و چندی بعد از آن اورا گردن زد و لیکن بعد از مرگ الیزبیت در سال ۱۶۰۳ جیمز ششم پسر مرگی بورا شد و قومی تاج انگلند را بر سر تها و زیر آنکه نژادش به مبنی ما میرید بلا واسطه و بنا بر این فوقیت و مہتری یافت بر سایر امرای اسکاتلند۔ با جملہ بسمعی و گوشه نشی که بعد از آن شد کہ حکومت و اقتدار پیشاپہار و راج یا بدو اسکاتلند و سپہان بواسطہ متحد و موافق شدن اہل اسکاتلند با خاندان استوارت و میلان خاطر ایشان گاہا و حفظ مراتب خاندان مذکور بعد از آنکہ از تخت تاج انگلند محروم و مغرول شدند رفتہ رفتہ ملک اسکاتلند با انتظام و منہیت شد و امور آن صورت اصلاح پذیرفت۔ در سال ۱۷۰۲ مجلس شورای اسکاتلند و انگلندی شد بموجب فائزیکہ جادی کردند و اتحاد و یگانگی این ہر دو ملک دوام پذیرفت و حقوقیکہ امر را بود بموجب رسم فیودل قدیم بر طرف شد و عملہا و حکومتہا یکہ پشت پشت و موروثی بود و موقوف گشت و از جانب پادشاہ انگلند عادلان و حکام کما شہ شد و خلق ملک از آن خدمتہا یکہ داشتند و میکردند و از آن شدند و بکار او محنت ہای سو مند مشغول گشتند کہ روز بروز ترقی ایشان افزو کہ تا الی الان پیوستہ روی ترقی دارند و بالاقصاں کاملتری شوند و واسطہ صد سالہ را با پدیدمانی مقرر نمود کہ ملک اسکاتلند بعد از قرون دوم و فلاکت و نکبت و تن پروری شروع کرد کہ روی ترقی و کمال نہند نمود۔

آسایش دولت انگلیش شود۔

آمار قریبہ۔ از جملہ آثار و علامات قیام این ملک بہمان چارطایہائی است کہ از سنگ ساخته اند کہ گفتیم و انگلند ہم بہست و غالباً کما۔ ان رفتہ است کہ معا بد و روئید بود و بعضی

۱۰۹ تاریخ اسکاتلند

بر آن رفته اند که اینها قبور مردگان از اعراف اهل آنجا بوده - و از آنجمله انواع واقعات و کلمات است
 مختلفه اما اشکال است که ترجمه نویسندگان از قوم سلطه باقی مانده که ساکنین نخستین این زمین
 بوده اند - بعد از این زمان که ذکر شد از آثار و قریه این ملک لشکرگاههای رومیان دیده میشود
 و معابد و آلات حرب و سکه باقی که معلوم میشود آن قوم را حکومت در استیلائی بوده است و در
 جنوبی این ملک همچنین دیواری را که آن قوم کشیده اند قریب سال ۱۳۰۰ عیسوی در میان اسکاتلند
 و انگلند - عمارت برج مانند بسیار عجیب نیز یافت می شود که گمان رفته است که خانه های
 سلطه با بوده و کلیساها و دیوارهای بسیاری ویران یافته است که از آنها ظاهراً هر شیء و زینت
 مردم این ملک در بین سال ۱۲ و ۱۳ عیسوی که در آن زمان خلق بسیار عابد و پرستگار
 بوده اند و نیز آثار و علامات بسیار از زمانی نظری آید که در آن رسم قبول جاری بوده و آن
 قلعه و حصارهای عالیّه مضبوط است که هر یک از اعراف اعراف از برای خود ساخته بودند که
 از آنها تا کنون بحال خود باقی اند و همواره آنها تعمیر میکنند و جای قامت قشون معین شده -
 ذراتهای خلق اسکاتلند - ساکنان نخستین اسکاتلند سلطه بوده اند مگر جاهاتی هم
 قوم تیوتان در مختلفه زمن آمده و سکونت گزیده اند در این خاک و بعضی از اضلاع شمالی این
 ملک هنوز مسکون است با قوم سلطه و ساکنان جنوب و شرق این ملک اهل سکنته و اسکنته
 میباشند مگر باشتندگان وسط این ملک مخلوط است از سلطه و سکنته - و ساکنان انگلند
 آنچه در کوهستانها بسیار بلوغت سلطه سخن میکنند و سایرین بلوغت تیوتان در جنبه اینها
 اشاره شده - در خصال و صفات و طبیعت خلق اسکاتلند چندان تیزهوش و چالاکانند

۱۱۰ تاریخ اسکاتلند

بهر کاری که دست میزنند ثابت بقدم که معلوم می شود چگونه بر حمت و محنت آبا و اجداد و مورسانند
 ملک خود را با آنکه چندان موانع طبیعی موجود است ملک مذکور را که ترقی آن مثل است باید
 مساک و دورانی هم در میان اهل این ملک بغایت فراوان باشد چنانچه در میان ایشان
 بسیار کم و نادر است مقامات و موقعی که در آنهایی اعتدالی نمایند ایشان در خرج و اصراف از
 رگه ذری و دانشی یا بی پروائی و از انطرف و نظر نخستین بنیاید که فی الجمله نقصی هم باشد و ملک
 مذکور را در اخلاق و مردودت و کثرت و دورانی و سخاوت - در میان کوششگران و شغلیان
 و گری اندیش و توهم بغایت است و در میان اهل اسکاتلند مطلقاً ملاحظه وینداری بسیار
 و در هیچ مملکتی از ممالک نصار و وزیشند را چندان مراعات نیکنند که در ملک اسکاتلند ملاحظه
 شده است که پایه مذہب و شرع اهل اسکاتلند عمده بر فکر و تامل و تدبیر است و محض بر نظام
 رسیده است و در توری و آبی و آبیل ثابت است و بیلابیلی که دارند و محبت آوردن دلیل عامه کردن
 بیشتر مردم و مردم و کلیه ایشان و هم در کتب حکمت نوشته جات ایشان - سخنشینان مردم کوشش
 امتیازی است بر دیگران و به طرقت کوشش کار کردن خوبی عادت مذہبشان و لیکن در امتیازات
 ملکی تهذیب حسن خلق و شهرت و قلاع بسیار کمتر است از سایر احوال و کوششها یعنی سخنشینان و آنیک
 بیشتر است از شهر نشینان - عدت بیعتی از جوانان اسکاتلند پیوسته وطن اصلی خود را رها کرده بخت
 خود را در ممالک بیگانگان آزمائش میکنند و در هر جا آنیک کار و محنت بسیار است و اینجامل قامت می افکنند
 و ملاحظه شده است که غالباً منظر و بهره مند شده و میشوند و معنی میکنند و در هر جا آنیک که گیرابینند
 و ملاقات کنند بسیار حایت خاطر خواهی میکنند از یکدیگر و حقیقت مردم با حمیت با اتفاتی بستند

آیرلند

جغرافیا

آیرلند یکی از جزایر عظیمه یورپ است و در بزرگی ثانی انگلند است و از حیثیت وضع و برپا
لبسعی یکی از جمله ممالک عجیبه عالم است چه در این ملک وس ارض و بحار و بحیره و تلاب بسیار است
و نیز کیفیات دیگری در این جزیره است که در سایر ممالک نیست مثل اینکه غالباً آفتاب است
و می بار و چنانچه شعاع آفتاب در قطرات امطار بسیار خوش نماید و قوس قزح گرداگرد آنرا گرفته
و امثال ذلک - غایت طول این جزیره ۳۰۰ میل است و نهایت عرضش ۲۰۰ میل و مساحت آن
مع جزایر دیگر در پیرامون دارد و قریب ۳۲۵۲۳ میل مربع است -

جزایر گرداگرد آیرلند بسیار است که هیچ یک از آنها قابل ذکر نیست زیرا که همه خورد و خیارند
یک چشمه عظیم سطح این ملک را گرفته است و شقی وسیع که در وسط آن بعضی از اتلال خفیه است
و دشت مذکور از سطح دریا قریب ۳۰ فوت بلند است و در حاشیه و کناره آن در جانب غرب
جنوب زمینی واقع گشته همه کوهستان که در آن بعضی نمایشات و عجایب بسیار خوبه است که در
پنج مملکی از ممالک یورپ یافت نمی شود -

جبال - جبال این ملک چون اتلال اند زیرا که یکی از آنها که میخاندش و کلویو فر گرفته است قطعه
 زمینی را که فقط ۶۰ میل در طول است و ۳۰ میل در عرض و ارتفاع قلل جبالی که در این ملک است
 قلعه بیل کثرت و اینیل است که فقط ۱۴ ۳۴ فوت رفعت دارد -

دشتهای این ملک چنانچه اشاره شد در فوق یک حصه عظیم این ملک افرا گرفته اند که قریب دو
 خمس از تمام ارض آن باشد که در بر دارد قریب ۱۲۵۰۰ میل مربع زمین آنرا و تمام این دشت
 کویر است مگر بر چند قسم مختلف مثلاً گویر سیاه که از آن چیزی حاصل میشود بجهت سوختن بسیار است
 یعنی بجای همی صرف میشود و قسم دیگر آن است که فی احوال شجاری در آن یافت میشود مگر پندان
 فایده مند نیست و قسم دیگر کویری است که در کویرستان است که خوبی میتوان آنرا تغیر داده چراگاه
 قرار داد بجهت حیوانات - اطول و دای آیرلند رود و نشان آن است که ۲۴ میل طول آن است
 و بقدر ۲۱۳ میل آن قابل مسافت کشتی است از طرف دریا و آب ۱۰۰۰ میل مربع زمین آن
 بنجود میکند - آگیر این ملک بیشمار است و از همه بزرگتر آگیری است که ۲۰ میل طول و ۱۰ میل
 عرض آن است و وسعت آن بیش از ۱۵۰ میل مربع است -

هوا - بواسطه خلج و بجره و آگیر متعددی که در ملک آیرلند است هوای آن بسیار ملایم و معتدل است
 و باد بانی که همواره از طرف غرب می وزد در طوبت بسیاری می آرد و باین سبب بغایت مناسبت
 و مطبوع است سبزی آلات و نباتات این ملک که از قدیم الایام همین جا آیرلند را میخوانند
 "زمردین جزیره" و در این زمین نهالاتی میروید در هوای کشاده یعنی در میان صحرای که در
 آن گلزن نیست و نیدن آنها بجز بشارت گویری که بکسی عیب نیست هند با این لیا نه یک قریب پنج است

۳۱۳ جغرافیای ایرلند

خاک - خاک ایرلند بسیار حاصل خیر است و حاصل بسیار بکثرتی میشود در آن خاک
محنت و کسرت زراعتی و حتی اینکه کوهها هم بندرت خالی از زراعت است و بسیاری از کوهها از
همان رُوس و قتل آنها زراعت شده است و بجهت چراگاه حیوانات گویا در تمام روی زمین چنان
قدیم زمینی برای نگه داشتن خاک - حاصل - اما در میان جانوران ایرلند و زرع و ماک است
و از قبیل گاوها و گوسفند در این ملک بسیار و بیشتر است و بجز مرغی است که در آنجا
میکشند و یک نوع سگی در این ملک است که خاصه آنست اما در سایر حیوانات این ملک کسان است
با انگلند - نباتات این ملک علاوه بر آنچه در ملک انگلند یافت می شود چند قسم دیگر نبات در
ایرلند است که در انگلند و اسکاتلند یافت نمی شود و از آن جمله درختی است که بدام سبزه است و میوه
میدهد و در هیچ ملک دیگری یافت نمی شود که در همان عرض و درجه واقع است - معدنیات
این ملک همان معدنیاتی است که در انگلند و اسکاتلند است مگر چندان با تفاوتی چندان ممتاز است
خلقیات - این ملک در سال ۱۸۶۱ پیش از ... ۴۰۰۰۰ نفر بود و خلقت این ملک با شبه
زبان پیشین تخفیف یافته چرا که در سال ۱۸۴۱ پیش از میلاد خلقت و پشت و خلق ایرلند از
ذات سلت اند که بسیاری از آنها مخلوط و منروج شده اند عمده در جانب شمال و مشرق با کسایه
جلاوطن اختیار کرده اند از انگلند و اسکاتلند - اگرچه زبان انگریزی رواج بسیاری دارد و در جریا
کلی یافته مع ذلک هنوز در حدود و ضلعاغ غربیه این ملک لغت سلت تکلم میکنند - عمده مشغول
اهل اسکاتلند شبانی و پرورش حیوانات است که بی نهایت پروری میکنند در جنوب و مغرب و
آن ملک و نیز زراعت هم که اکثر و بیشتر در جانب مشرق میشود و میگویند که چهارم حسن از خلق ملک

۱۲ جغرافیای ایرلند

تیر و عت شدت آن از حد با وصف این راجعت اسکا تلند نخوبی نمی شود معلوم است که اگر از اینهم بهتر کنند
حامل آن ده چندان میشود - مینو فکچری - کتان در آیرلند بسیار بافته میشود - ماهی گیری هم در این
ملک و اج کلی دارد و یکی از جمله مشاغل غلبه است در کنار دریا - گندم و جو و تپانه بسیار است و
عمده خوراک مردم آیرلند تپانه است فلکس یعنی علفی که از آن یسمان و گونی و امثال اینها میبافند
بسیار است - تجارت نمیلک عمده تجارت خارجه و داخله است - اما تجارت خارجه که حمل نقل
نمیلک میگیرد و نمیلک منحصر است پشیز زراعتی و غله و مینو فکچری و اشیائی که حاصل میشود از
حیوانات - اما تجارت داخله که آمدنی ملک مذکور باشد منحصر است به چای قهوه و شکر و شراب و
او و تپانه و سیوه جات و مینو و پشم و غیره -

طرق و شوارع - آیرلند بسیار متاز است و پیش از ... میل ریلوی دارد و ... میل نهر برید
و این ملک با انگلند رشته تارنگار است از لندن تا ولین که در الملک انگلند و آیرلند اند
... میل فاصله است که بمقتادیل از آن دریا است این مسافت سه ساعت براه و بجز آیرلند
و کشتی و غنائی نمی شود - ولین قریب و ملک مینو فکچری است و ... میل این ملک چهار خمس
کنسلیک است یک خمس دیگر نامیب دیگر عیسوی که از جمله است پرستنت - علم و فضل و تیزبختی این
ملک بسیار است و در قدیم الا یام این ملک صاحبان فاش شیده بسیار و شته چنانچه در صد سال ششم خمس
عیسوی از این ملک رگان و دشمنان در بار پارشا بان انگلند و فرس حاضر بوده اند و اکنون مدسه برای
در این ملک برپا شده و مخصوصه از برای اداسط الناس از جانب دولت مدسه با مقرر گشته و الا
و آیرلند قریب ... مدسه است -

تاریخ

قبل از آنکه انگلند تسخیر کند شک آیرلند را ملک ندکوزا هر حصه بخشی بدست رئیس و حکمرانی ضعیف
 و بی حقیقت مگر مستقل بدون علاقه و بستگی بدگری دلی در بعضی از از منته و اوقات مطیع و مستقام
 میشدند پادشاه واحدی را که قوت و استیلائی بهم میرسانید در میان نشان نفوذ می جست بر
 سایرین و تمام ملک را مالک بالا استقلال میشد. این امر او فرمانروایان همواره در تنازع و جدال بود
 تا اینکه یکی از ایشان مغلوب و منهنم و از ریاست خود محروم ماند روی با انگلند آورد و بهتری ۲
 را تحریک نمود (سال ۱۱۷۱) که آیرلند را مستخر سازد. با جمله اقتدار و استیلائی انگلستان مان طولی را
 در آیرلند جاری بود ولی همواره حمایت طرفداری بعضی از حکمروایان آن ملک و همین جهت دیگران
 در اطاعت نخواستند و میباشند این ملک امر بی نظام و بی بند بست بود و چیزی را انگلند جدا گزیدن
 از انگلند و اسکانند و سکونت شان آیرلند اجاری داشتند و غایت جد و جهد در آن عمل آورد
 و محکوم قضایا و امر انصاف است نیز در آن سرزمین موجب گشت تربیت و علم و هنر و ترقی را نیز در آن
 جاری داشت مختلف طرق و صورتها و فیما بین چیرلس و مجلس شورای او ایالی آیرلند را امین
 بخشید که باز ملک خود مستقل سازند و مجدداً ندیب خود را جاری سازند و بنا بر این جنگی خانگی یعنی در میان
 خودشان واقع گشت و عاقبت بواسطه فتوحاتی که کرامول نمود ملک کور باز بحال اول در اطاعت و
 انقیاد نگلند ماند و کرامول بسیاری از زمین های آنها را بخشید بامیان خود که سائیکه از ویاری کرده بودند
 در زمان روالیوشون (سال ۱۶۸۸) زمین کنتلیک با اعانت و حمایت کردند از چیچر ۲ پس از آنکه

تاریخ ایرلند

مشاوره دست به پشت از تاج و سلطنت نگن و لیکین و لیمم آنها را در جنگ با این مغلوب ساخت
(۱۶۹۰) و مجدداً خلق ایرلند سرکشی کردند با تمیذ آنکه ملک خود را مستقل سازند ۱۶۹۸ مگر نزد وی رخ
آن سرکشی شد و حکومت انگلیش عاقبت الامر ای خود را یکی ساخت و غرم خرم نمو که فرمانروائی جداگانگان
ایرلند را بر طرف سازد و آنرا شمال پرلمنت نگن کند و این فقره صوت انجام یافت در روز اول
ماه جنوری ۱۸۰۰ میلادی (بعبارتة آخری مجلس شوم رای ایرلند که جداگانان بود و احکام و قوانین از آن نشتر
میکرد شمال مجلس شوم ای انگلند شد) - با بحد ملک ایرلند با وصف آنچه ذکر رفت بهیچ وجه من الوجوه خالی
از فتنه و آشوب نماند تا آنکه یکی از ممالع و سبها عظیم آن رفیع گشت سال ۱۸۲۹ میلاد که من کنایک ضلالتی یافتند
از آن سلسله تقیید یک پیری ایشان بود که از کجاری بیخیل با داجار یا فتنه و آن نشتر شد و در هر ششده خردت در رود و
آثار قدیمه سازا بار و علامات بت پرستان قدیم تا کنون چیزی در ملک ایرلند باقی است از آنکه اول
همان چهار طاقی های سنگی که قبور بزرگان اهل ملک بوده مختلف در شکل و اندازه و ترکیب و لیکین
سه ستون دارند و در جانب عقب یک در جانب پیش و در نیز کوچه های سنگ است که دستی
میساخته اند که در آنها و واقعات خاصی آتشی معروف بوده که می افروخته اند و در جهان وقت تمام آتشها
در هر خانه و تشرلی بوده خاموش میگرد و مجدداً از آن آتش که متبرک بوده روشن نموده اند و این کیمنوع
عبادت و بندگی بوده است مردم آن زمان را و نیز ستونهای سنگی بلندی بر سر پا کرده اند که بعضی از آنها
فرو ایستاده ای اغلب از آنها تکیه دارند به پشت بندی و اینهم خبری از معابد و آتشی از آلات عبادت
ایشان بوده و در این زمان هم گویا عبارتی است معروف در میان خلق ایرلند که "بیانید
برویم بجانب سنگ" یعنی برویم عبادت کلیسا و مشهور است که این عبارت از رسم بت پرستان

قدیم این ملک باقی مانده است که جمع میشده اند و اگر در این سنگها از برای عبادت چنانچه عیسویان
 را این رسم بوده که صلیبهای سنگی منقش بر پا میکردند و در معابد کلیسا بایا و حرن کلیسای خود -
 و دیگر حصاری برای سنگی مدور است که غالباً آنها را عینا مند " در و تیز سرکل " یعنی حصاری مدور
 که در آنجا که مثل مصدای مسلمان است عبادت میکردند - و دیگر از جمله آثار و علامات قدیمه
 این ملک تهرانی است که سنگ مساخته اند در و طولانی که فوق آنها سطح بوده بالای آن عمارت
 قرار میداده اند که اگر در حصاری بوده و این عمارت غالباً محل پناه و گریزگاه بزرگان و پادشاهان
 عبادت کارهای دیگر و این عمارت در صورت اشکال بسیار مختلف اند همچنین برج مدور بسیار است
 که معلوم میشود جای گذشتن نواختن ناقوس بوده - حربه باوزنیهای قدیم گاهی یافت میشود
 هر گوشه از ملک آیرلسند و از آنچه است تیغهای برنجی و سبار و تیغها سیکه بصورت سنان نیزه سا
 مختلف در قد و طول آن هم از سبار و حلقه های عجیب الاشکالی پیدا شده که بعضی از آنها مسبار است
 و برخی از طلا و اکنون بقیمین پیوسته است که اینها از ریاج المعامله آترمان بوده - و نیز در میان زمینها
 چیزهایی پیدا شده که از طلای خالص ساخته اند بسیار نازک بصورت نیم قرص ماه که گویا اینها گردن بند
 باد و بند و غیره بوده و نیز پارای طلای دیده شده بصورت سنگ و جرس و لیکن قطور و سبک و متصل
 که تاکنون استعمال نشان کسی معلوم نگشته - از باریت شیوع مذہب عیسوی هم بعضی خبر در آیرلسند
 باقی است که قابل ملاحظه اند که یکی از آنها قریب شهر دهلین است که پری رفیع نیست و سقف آن از
 سنگ است و چند کلیسای بزرگ نیز ساخته شده که تاریخ زمان آنها ۱۱۷۱ عیسوی است قبل از
 انگلیش حمل بر سنگ آرد و مسخر ساز و آنرا و هنوز این عمارت بحالت نخستین باقی و همه روز در آنها

۱۱۸ تمام آیرلند

عبادت میشود و گذشته از اینها ایرلند و کشت باوقلاع متعددی یافت میشود که همه خراب و تباها شده اند
 قلاع و حصارهای کوچکی بیشتر سراسر این ملک افرا گرفته که بسیاری از آنها را تاریخ بنا و زمان سلطنت
 الیزبت است که ملکه مذکوره تعمیر آنها فرمان داده بوده است که خانیف برسان و اردومردم ^{صفت} حقی
 سرکش آن ملک را - قلاع مذکوره غالباً رفیع اند و مربع در هر گوشه از آنها برجی است گذشته از اینها
 خرابه و دیوارهای شکسته و قلاع بسیار بزرگی هم یافت میشود که غالباً آثار نسبت میدهند ^{حان}
 پادشاه انگلند و سلطان است که در ترمیم است که در قیام لایام ششمین گاه نایب حکومت انگلند در
 مجمع شوری هم برپا میشده و در انجام زرم که میکرده اند و سپید قلعه از بزرگان و امرای انگلیک
 بوده که تاکنون هم مسکون اند -

حکومت - آیرلند چنان است که از خود حکومت فرمانروائی علامه ندارد و خرابه است اسکاتلند
 و کلای چندی از آن مجلس شورای انگلند و متشاوره میشوند که مشتمل اند از ۲۸ نفر از اعظم ملک و ۱۰۳ نفر که
 چهارم آن علامه هستند و بقیه عام یعنی اواسط الناس هستند چنانچه در ذکر اخباری است انگلند که می از آن

تمام ممالک مقرب و قریه انگلیش

مالکونی که قسماً در بین قبی و وطن اصلی انگلیش وی هم رفته بقدر ۱۲ هزار میل مربع است و خلقیت
 آن بیش از ۴ میلیون مالکی که در قریه آن است در دیگر گوشه های کره ارض ۱۰۴۰۰۰۰۰ میل
 مربع است که تقریباً ۶۳ برابر ملک اصلی آن بوده باشد و ۴۰۶۲۹۴۲۰۰۰ خلقیت آنها است
 که ۷ چندان خلقیت ملک اصلی آن است - ^{عالم} عندالله

ناروی و اسویدن

ناروی و اسویدن از حیثیت جغرافیا یک ملک محسوب اند و اکثر اوقات خوانده شده خوانده میشوند و اسویدن را
چنین خوانده (یعنی اسویدن) مگر در این قریب جدا جدا بیان میکنیم جغرافیا و وضع حکومت یکسان

ناروی

جغرافیا

ناروی - حثه غربی ملک اسکنندنیوا است و وطن قومی است که ملک انگلند را تا آخر تابع خود ساختن
و یکی است مثل بر جبال بسیار قلیل رفیع و میدانهای وسیع پر از برون و صحراهای پر از بخر و رودها
عظیمه در شیب - فحسث نیمه یکیش از ۲۲۰۰۰ میل مربع است تا به طولش ۱۰۰۰ میل و عرضش
۲۴۰ میل است - جزایر نیمه یک خالی با کوهستان است مثل برینگ خار و تمامه نهی و افتاده
مگر متعدد و بیشتر یک جامع شده - از آن جمله یک سده یا سلسله جزایر لادن است که روی هم هفت
۳۰۰۰ میل طول آنها است و در دور شکل در میان نهنگ منظمی آیند و بعضی از کوههای آن به غایت
مانند توک نیزه و بعضی دیگر به غلاف این استند و در این جزایر بقدر ۱۰۰۰ نفس سیش کونست است
و لیکن چون در جانب غربی این جزایر قیسی از ماهی که آنرا کاد و میخوانند بسیار است لهذا موسوم خاقمی
که بقدر ۳۰۰۰۰ میلهای گیرند هر جانبی از ملک ناروی آید و در آنجا بجهت گرفتن آن ماهی - صفت این ملک

لهذا کاد و میخوانند

سک لادن

۱۲۰
جغرافیة اناروی

مشمول است بر جبال از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب بم کم از ۲۲۰ میل مربع آن در زیر برف پنهان
 نیست بم و ارتفاع قلل این جبال گلد چینی گرن است که ۵۴۰۰ فوت رفعت آن است - در
 ملک ناروی تمام پنهان می نمایند که سر شیب بوه باشد و از سر فرو آمده باشند چنانچه وضع و شمس
 ملک کورست در صفحه نقشه جهان و دوهایی آن را با لاپلاند وید و از میان کوهستان و تلال و سنگهای
 خار سپایان نموده در قایت سختی و پهنای بدریا میریزند و رودهای مذکوره اگر چه قابل مسافرت نمیستند
 مگر سبزه نقل چوب از جنگلهای حرکت لات و پرنهها و آسیا با و امثال فلکی که در معاون و دیگر جاه در کارند
 بسیار مفید استند و نیز در فرستان که همسایح می بندند این فایده بکارند که خلق بالاسی آنها آورش میکنند
 شهری شهری - اگیرو و اسطورد ملک ناروی لاتعد و لاتخصی است چنانچه از قرار یک در یکی از سه جغرافیا
 که نزدیک است معتبریم است نوشته ... اگیرو ملک ناروی است مگر هیچ یک قابل فرست نیست
 یعنی که فی ابعده عظمتی از مثل اگیرو است که ۹۰ میل طول دارد و میل عرض اگیرو است که ۷۰ میل
 طول است ۳۰ میل عرض اگیرو است که ۳۰ میل طول است ۳۰ میل عرض آن - ملک ناروی یکی
 از جمله ممالکی است که صخره سطح آنها این رخ و بیرون فرا گرفته چنانچه دره های کوهستان آن معلوم است
 رخ و چندین کوه که فراز آنها چون صحرا و دشت کشاده است سرسبز پوشیده اند از این رخ -
 هوا - ناروی بغایت اعتدال بهم رسانیده است بواسطه تسایم گرمی که می رود از بحار گرد آن در می
 چون ملک کوشیده شده است در وسط ۱۳ درجه که پیوستگی نیست که طبیعت هوای آن خشک است بسیار
 دارد و لیکن غریب است که در ایام زمستان که سناها طول میکشد در آن ملک صدمه و جنون آن سرد است
 صد و شمالی آن ریاضا لکونی که در بای جنوب غالباً منجم است بندت رخ یافت میشود در دریای شمال -

در نقشه جهان

۱۲۱
 جغرافیای ناروی

این اندک زمانی که تابستان طول میکشد بقدرت هوا گرم است و در جانب شمال آنچه گشته اند در میکنند و حال آنکه کجا قبل از آن در زیر برف عظیمی بوده که برف کثرت در وسط آنک پادگی افتد و بیشتر استقامت دارد چنانکه مکرر تا ۲ ماه بکلی زمین زیر برف است - در سواحل مغرب قتل بازش تمام سال ۷۳ اینجاست و اینجا هوا غالباً مرطوب و مضعف است و بجهت طبیعت انسان بسیار مضر است - نهایت اعتدال هوا در شهر کریستینیا در اول ملک ۴۱ درجه است -

خاک - نمیکند چندان کوه آب و چمن و چمن از تمام قسمت آن فقط بقدر ۱۰۰ میل مربع است میشود و آنچه چندان حاصل خیز است - حاصل نمیکند آنچه جانور است بیشتر است بر تمام آنچه در آن کف است علاوه نسبی آهویاقت میشود و نمیکند که میگویندش رین و یرو اسب گا و گوسفند و مثالی از آنها هم است در قند اندازه کوچکتر از دیگر حیوانات مالک و گران و چمن گوسفند نمیکند هم چندان است نیست که دیگر جا - سنگ نمیکند عظیم بجهت ترقوی تر و سخت تر است از سنگهای جاهای دیگر و اکثر استعمال میشود مانند جانوران بارکش - رین نیز هم در تمام ملک بجهت بارشی مستعمل است و بسیار حیوان کم قدری است در آن ملک - حیوانات وحشی و سباع نمیکند بسیار است و مختلف و همچنین طیور وحشی آن - ماهی گیری و طبع عظیم دارد و منافع و نوایا هم بسیار است چنانچه در تمام سواحل نمیکند شمال بجز در جنوبی است بکثرت - قریب به سالی یکبار قسمی از موش پیدا میشود بکثرت که مانند سگ در حرکت است و حرکت آن هم در شب است این جانور قصاصت پادوی میرسانند بر عشت نباتات چنانچه سابق بر این علماء در سپانان اهل نمیکند عبادت و صومای خاصی بود که میکردند و میخواندند بجهت دفع آن حادثه و بلا - نباتات و محبوب قهری که در آن کف یافت میشود در نمیکند نیز یافت میشود و همچنین میوه جات از قبیل خربزه و آلود و میوه لی در جانب جنوب است

۱۲۲ جغرافیای ناروی

و در جانب شمال کلی نایاب است - اشجار و خصوصاً فز که قسمی از شجر است در این ملک بحساب است
 و بسیار ممتاز که بمالک دیگر میسر و خوب آن - معدنیات ناروی بسیار قیمتی است مگر تاکنون چنانچه
 و شاید در آنها کار کرده اند نمیتوانند هم خوبی که در زیر یک پیمه در نیک بسیار کم است و حمل و نقل اشیا هم بسیار
 مشکل است - **خلقیات و لغت** - خلق ناروی در سال ۱۸۷۲ حساب شده ۳۰۰۰۰۰ نفر بود
 و اکثر ایشان نارمن هستند یعنی باشندگان اصلی خود ملک که سلسله ایشان فتنی میشود بذات تیوتان
 دو فرقه دیگر نیز هستند که مینامندشان لپ (یعنی اهل کپنکه و قپن) (یعنی اهل فنلند) که اصل ایشان
 مغول و تاتار بوده لغت مردم این ملک لغت خاص خودشان است که مینامندش نار و وچین (یعنی
 لغت ناروی) که اصل آن لغت تیوتان بوده و قریب است بلغت اهل سویدن و نارک و آن دو قوم
 دیگر بلغت دیگری تکلم میکنند جداگانه که هیچ نسبتی بان لغت اولین ندارد -
شغل و پیشه - عمده شغل و پیشه اهل ناروی بریدن چوب است و گرفتن ماهی که اغلب از پیشه
 مشغول آرو و نیز چغیری بر راعت کردن و صحرانوردی و تجارت - نسبت بحالت خود نمیکند جاهای
 تجارتی از همه جاهای عالم پیش است و عمده مال التجاره که ازان خارج میشود چوب است و ماهی و مرغ
 خوراکی و عمده مال التجاره که داخل آن میشود شایسته است و مالک دیگر حاصل میشود مثل قماش و غیره -
طرق و شوارع - طرق و شوارع ناروی بسیار خوب است و قریب بمیل ریلوئی دارد و ... اهل نارک
 مذہب - اهل ناروی عیسویست بوجوب قنای یعنی طریقه شخصی موسوم به لوتر که مذہب کوریکان
 مناسبت منجوات لوتر نیز مردمی بر بنده اکنون معلوم نیست که اساس اصول مذہب کوریکان چیست
 و لیکن آزادی دوز است از برای هر فرقه از فرق مختلفه عیسویان و همچنین یهود -

لغت ناروی وچین
 لغت تیوتان

تعلیم و تربیت - مدرسه یا برپاست و مقرر شده است ملک ناروی در هر صبح از صبحگاه تعلیم
و تعلم و تربیت اطفال از ۳ سالگی الی ۱۳ سالگی نیز یعنی فرمان و حکم حکومت جاری است نیز در سایر
هم هست که از اکثر امصار و بلاد معتدله ملک مراغه یاری میشود آنها را و در ۱۳ شهر بسیار کمی در این ملک
وزارت فنون هم هست و در خود پای تخت نیز وزارت فنونی است که ۴ نفر طالب العلم در آن حاضر میشوند.

اسویدن

جغرافیا

اسویدن آن قسمت از ملک اسکاندینویا است که در طرف شرق آن واقع است بزرگتر است از قسمت
غربی آن که ناروی باشد - فاحت اسویدن مع جزایر گرداگرد آن ۱۷۱۶۴۶ میل مرصحت و طول
تقریب ۹۳۰ میل است و اقل عرضش ۱۹۰ میل - صفحه سطح آن در جانب شمال تمام کوهستان است
که در وسط آن با دیرها کشیده پوشیده از جنگلهای و غیره شکل است بر قطعات ارضی گیتان همچون زمینها
رفیع سطح بسیار وسیع هم دارد - اما جنوب آن دشتهای لم نریع افتاده که میگذرند از وسط اتلال
جنگل نار و ملک اسویدن عجیب است از حیث کثرت رودها و آبگیرها که ده یک افسحت تا یک
فرا گرفته دارد و نیز زمینهای کرسی مانند که از شمال گرفته را شیب میرود تا بدریای بالتیک فتهای شود
کوههای آتیک اگر بطور اجمال بیان شود همان سلسله جبال است که واقع وسطی شده اند و در میان
آتیک و ناروی و در حقیقت منسوب به شمال اند ناروی که یکی از آن سلسله جبال گیتان است که

جغرافیای سویدن

که از شمال مشرق شروع میشود و سه شصت طول ناروی را طی میکند. اگر بطور تفصیل بیان شود جنوبی
از آن سلسله و دیگر کوهها و نخل خاک سویدن میشوند که همه مثل آنند بر قلل بسیاری با ارتفاع ۲۰۰۰ فوت
جز قلّه سیناقتیلین که ارتفاع جبال آن یک است و ۵۸۶۰ فوت ارتفاع دارد و مدام برف آنرا فرا گرفته
الاضعی رفیعه آن یک کیلومتر است که قریب هشتاد میل است از هر طرفی و دیگری همکند است
که سطح آن ۱۴۰۰۰ میل مربع است. و شتهای آن یک کیل در جانب مشرق واقع است که یکی از بزرگ
و قریب هفت یک یا ۹۰۰ میل مربع آن در زیر زراعت است. دیگری ۶۰ میل طول از جنوب
عرض - آبهای بجمه و حسابی که در ملک سویدن است از دو دست عظیم که نشیب میل اند و نخل
میشوند یکی از جانب جنوب مشرق و نخل دریای بلتیک میشود و دیگری در جانب جنوب و غرب نخل
دریای کتنگانت میشود چون مشرقی آن یک از رسته کوه گیلین بطرف جنوب مشرق در همه جای است
بنابر این همه رودهای آن یک بخط مستطیل با یکدیگر واقع شده اند و در جاهای خاصی نخل بگیرند
میشوند بترتیب نظام - آگیر و نر در جانب جنوب و مشرق سویدن با شتهای آگیر که گاه بزرگترین
تمام آگیرهای ممالک یورپ است که ۹۰ میل طول آن است و از ۸ الی ۸ میل عرض آن
و مساحت آن ۲۰۲۰ میل مربع است آب ۳۰ در آن بخورد میکند - آگیر و نر ۱۰۰ میل مربع مساحت
و آگیر فلر ۴۶۲ میل مربع است -

سویدن
عنه از نخل

بنوا - هر چند که هوای سویدن بالنسبه به هوای ناروی کمتر مرطوب است معینا خوش است
و بالنسبه دیگر ممالکی که در همان خط واقع اند معتدل - رستمان این ملک بسیار طولانی و بسیار سرد است
و تمام زمین پوشیده است از برف و تمام رودخانه با و آگیر با نخل فرو بسته است و ماه اپریل الی ماه

۱۲۵
جغرافیای سویدن

اکتوبر (ماه) با وجود این چون هوا خشک صاف است باد می که میوز و اعتدال می
 آنرا این موسم از سال بسیار خوش است در سویدن در این وقت خلق مسافرت میکنند
 در قسمی از کاری که آنرا رین دیر میگویند یا اسب - تابستان کوتاه است و گرم و اقل عتال
 هوا در شهر استاکهلم که پای تخت این ملک است ۴۲ درجه میباشند - بادی که می وزد
 عمده از وسط جنوب و مغرب است و در تمام سال فقط ۱۶ اینچ باران میبارد در سویدن -
 خاک - خاک سویدن اکثر آن غلب بجهت زمینهای سنگی و کوستان کم حاصل و کم بزیغ است
 و هر چند که در این سنوات اخیر معین زیاد سعی بسیاری شده است بجهت ترقی خاک سویدن مع
 هنوز ۱۲ یک خاک زمین آن را عمدت نمی شود - حاصل آن از حیوان گیان است با گلند
 مگر آنکه سویدن رین دیر نیز دارد که آن گلند دارد و عمده جانوران وحشی آن خرس است و گرگ
 و یک ذات آموی دیگری در و باه و خوک نر و غیره - طيور وحشی آن عقاب است و شاهین
 کبک و مرغ خشکلی و چند قسم دیگر از طيور - ماهی نمیک چند قسم است که شاید در ملک ماننا باشد
 از آن جمله است کادو ماهی مطلقاً در سویدن بسیار است - جو بات نمیک گندم است و جو در
 میوه آنچه در طرف مغرب یورپ یافت میشود همه در این ملک یافت میشود قسم سیری آلات بتا
 چند بسیار است در نمیک - چند قسم اشجار بسیار خوب ارد که چوب آنها بسیار مفید است مانند
 درخت بلوط و غیره که چهار ربع این ملک آنرا گرفته و از جمله حاصل نمیک تنباکو است و پاپوس
 فلکس بسیار است و عمده مال التجاره است - معدنیات سویدن هم از هر گونه مال التجاره اصل
 و مایه دولت نمیک است و عمده آن آهن است که بهترین آهن عالم است و اغلب بجهت ساختن

ساده تر است

۱۲۶ جغرافیای سویدن

نواد استعمال میشود و دیگر معدنیات نیک نقره است مس و زینک و زغال و مرمر و زاج و غیره -
خلقیات نیک و در سال ۱۸۷۲ تخمین شده ۲۵۰۴۰۲۰۴ نفس بود که تمام باشند گات
اصلی ملک بودند بخیر آنکه ۲۷۰۰۷۹ آن زمین بود و ۶۶۱۱۱۱ لپ - اهل سویدن زوات گات
هستند و زبان ایشان تماماً زبان خاص خودشان است که رشته ایست از لغت اسکندونیوا
که مشتق است از لغت تیوتان - شغل مردم نیک از این قرار است که هر چند کردن معادن
رشته شغل بسیار عظیم است نیک است مع ذلک اغلب خلق نیک بدینال روان اندر است
صحرای دوری و پرورش چراندین حیوانات را - تجارت خوب که روز بروز در تناید است
کار عمده ایست بعد از آنها سکه ذکر شد و از آن پس صنایع دیگری است که مشتمل است از ساختن کشتی و
آلات زراعت و چیزها و چرم و کاغذ و فلزات و گوگرد و عرقیات و شراب بافتن قماش و کتان
و شپشینه و غیره - تجارت نیک بسیار است و در حال سرعت و تناید است عمده مال التجاره و
چوب است ماهی آهن و جو و عمده تجارت مال التجاره و داخلش قماش و متعه ممالک دیگر است
در آن یافت میشود و زغال و آلات مشینری و غیره - و از ملک سویدن استاکهلم است که قریب
۵۰۰۰ نفر خلقت آن است تمام این اجناس مال التجاره از این شهر و شهر دیگر حمل و نقل میشود -
طرق و شوارع - سویدن بسیار خوب است و چند رود و نهر بریده هم دارد که همه قابل مسافرت
کشتی است و بقدر ۴۹۲ میل بلوی هم دارد که عمده و بیشتر آنرا حکومت ساخته است و
۱۰۰۰ میل تلگراف دارد که ۱۲۵ میل آن در دریا میرود -
تربیت - تربیت نیک چنان است که اطفال بزور حکومت باید تحصیل علم کنند یعنی

جغرافیای سویدن ۱۲۷

در مقدمات ضروری و اطفالی که در مدرسه های عامه داخل نمیشوند باید ثابت کنند که در جای دیگر تحصیل میکنند و تحقیق پیوسته است که از هر صدی ۹۰ طفل از سن ۵ سالگی الی ۱۵ سالگی در مدرسه های عامه حاضر می شوند -

مذهب - اهل این ملک کلی پرستنت است و متعلق است بفرقه لوترگر بر فرقه و ذاتی مختار و آزاد است در مذهب و عقیده خود -

حکومت - ناروی و سویدن هر دو پادشاهی محدود و مخصوص است و در هر دو دولت اختیار جریان احکام بقضیه پادشاه است مگر امور قوانین و ابداع قواعد و اگذارست مجلسی که در ناروی و کلای عموم خلق اند که در ناروی می نامندش استار تینگ و در سویدن ریت تمام اجزای مجلس کور باشد و آنرا اولستینگ می خوانند قواعد را جاری می سازند و ربع دیگر که آنرا می خوانند لکتینگ قواعدی را که در مجلس اول صورت وجود داده اند یا امضا می سازند یا باطل میکنند - در سویدن نیز قواعد و قوانین بقضیه اختیار مجلس ریت است که اجزای آن و کلای عموم خلق اند و خلق میگزینند آنها را و این مجلس بر دو قسمت است یکی آنکه مشتمل است بر ۱۲۰ جز که هر یک از ایشان باید از ۳۵ سال عمرش متجاوز باشد و اینها را بر میگزینند برای مدت ۹ سال موجب ندارند و دیگر آنکه اجزای آن مشتمل اند بر ۱۹۴ نفر که عمر ایشان باید از ۲۵ سال متجاوز باشد و مدت قیامشان ۲ سال است و موجب هم دارند مگر اقامت در مجلس ناروی از مجلس سویدن پیش است و اصول قواعدش مختلف از آن و بهتر و مطبوع تر -

۱۲۸
جزایای سویدن

اهل سویدن دما روی چنانچه اشاره شد از همان رشته و دوده هستند که مردم و نمارک اند
و لغت ایشان هم از همان لغت مشتق است که بسیار تحریف شده و تخفیف یافته است ^{عمده}
بواسطه اختلاف و خصومت و عدم اتفاقی که از سالهای دراز در میان این دو طایفه وجود
داشت. خلق همیک قومی هستند و لیر و سخت جان و بیباک و کریم نفس و ثبات قدم را جز
و جلادت آموخته و متحد دارند و معروفند در دیانت و امانت داری. سوای این قوم
و ذات و طایفه دیگر هستند ساکن سویدن که یکی از آنها ساکن لاپلند هستند که قومی اند میان
و پیکل و مسکن ایشان در ضلع شمالی است و این قوم بسیار فقیر و بی بضاعت اند مگر بسیار
خوش طبع و زنده دل و متدین اند و مردمی اند که بسیار کم گناه بد و شنیع از ایشان سر میزنند
بعضی از ایشان صحرانشین هستند و زندگی میکنند با واسطه کله و رده خود که همه آنها همان صحرانشینان
که آنها را پرورش می دهند و برخی دیگر از ایشان جنگل نشینان اند و ماهی گیران یا محنت
کنندگان و مزدوران که خود را اجاره و کرایه میدهند بدو قبیله ذراع سویدن.
قومی دیگر هستند که آنها را فین میخوانند که کجیل شعبه هستند که ابالی لاپلند مگر اختلاف دارند
با آنها و آنها قومی اند قوی رکب و قوی باز و محنت کش و وقتی این قوم خاص سکونت داشتند
در فینلند و لکین اکنون در بعضی از ضلع شمالی ناروی سکونت گزیده اند و نیز در سویدن
و چنین مینمایند که این طایفه از زمان قدیمه نامعلوم سکونت یافته اند در صحرا بادیه های
جنوبی یورپ و بعد از آن رانده شده اند بجانب شمال با اهل سکندریه یا -

تاریخ اسکندنیویا

قبل از آنکه شروع کنیم به تخریر تاریخ ناروی و اسویدن ضروریست که بخدمت خوانندگان
عرض کنیم که غالباً جغرافیا و تاریخ این دو ملک از یک جا نوشته اند و در ضمن نویسندگان یورپ چون
این بر دوزمین ناروی هم مکتب نیویا میخوانند اغلب در نوشتهجات بهمین نام مینویسند و لهذا بنابر
نیز بهمان تیره برمی نگارم تاریخ این دو ملک ازیرا که تاریخی هم که در نزد بنده است چنین نوشته
اسکندنیویا - یا اسویدن معروف و مشهور آفاق است از این گذر که محل ظهور و جای پیش
و نمایش تویم مستور گات است که نقل مکان و انتشار آن منقلب و گریگون ساخت حالت
تمام مملکت یورپ را در اوایل تاریخ عیسوی - بطور تحقیق چیزی از تاریخ و شرح حال این ملک معلوم
نیست تا صد سال زمین عیسوی هنگامیکه هرگز بهر طرف اجز دین عیسوی را اختیار نمودند تمام
ملک ناروی را در تحت فرمانروائی خود در آورده اهتمام او در جریان و نشر رسم فیودل موجب شد
انتشار و نقل مکان و جدا گزینی جماعت بیعتی از آن قوم را که بعضی از آنها سکونت اختیار کردند
در انگلند و اغلب از آنها ساکن شدند در جزیره آیسلند و جزیره مذکور را پر ساختند از شهر
و مدینه ب باشندگان قدیم مکتب نیویا و بهمین نقل مکان نسبت داده اند سکونت نارمن در
در ملک فرانس - و در صد سال و دوازدهم عیسوی ملک اسوید با ملک گات با یکی شد و در او
صد سال چهاردهم این هر دو ملک مع ملک ناروی در تحت حکومت و فرمانروائی و تبارک در آمد
و در سال ۱۵۲۱ عیسوی اسوید با متحد و استقلال قدیم خود را یافتند و از ملک نارک جدا شدند بحسن

تاریخ اسکندنیویا
تاریخ اسکندنیویا

تاریخ انگلستان نوین ۱۳۰

در انگلستان

سعی و اهتمام گشتن و تسامحی از امرای خود که بعد از آن او را پادشاه خود خواندند - چون
 به جانشینان او رسید دولت سویدن استقلال و عظمتی بهم رسانید و پادشاه هشتاد و هفت
 که بعضی از اراضی ملک روس و پلنگه و خرمستی را شامل ممالک خود ساخت و ملک خود را
 وسعت داد و در زمان سلطنت چارلس ۱۲ (سال ۱۶۹۷ - ۱۷۰۲) اقتدار این ملک با همی
 نهایت رسید و پادشاه مذکور بسیاری از جاها را بحاق داد و ملک خود و آرزوی مساوات بخشید
 همسر ساخت با سایر ممالک عظیمه یورپ و لیکن شتاب کاری و عدم دوراندیشی او در کارها
 موجب شد که قدم در امور خطرناک نهاد که باین نقصان و تنزل و زوال آن استیلا و اقتدار شد
 چیزی از شرح حال این پادشاه بیان نمودن خالی از فایده نخواهد بود - پیتر بزرگ (پتر اول)
 بندری منجواست در دریای بلیک بچنگ آرد و بنا بر این اتفاق که و یاد گیرد و در مخالفت سویدن
 در این وقت چارلس ۱۲ بجای طفل جوانی بود و تازه بر تخت بر شده بود مگر باندک زمانی خود را
 حیرت و سنگفت جهان ساخت بهر گونه فعال و صفاتی که لازمند جهانگیری و جهان بینی بهست که
 در وجود خود موجود داشت - چون و تمارک بطرف روس بود و از جانب جنوب محله خود چارلس
 مجدداً اتحاد قدیم سویدن را با انگلند تجدید نمود و قطاری از جهازات جنگی آیدشن بسیار به سویدن
 روان گشت اگر چه روس یارانش پیشهستی نموده نصرتی کردند مگر بواسطه آنکه در سلطنت سویدن
 (کاپتن سنکین) محصور شده و بود و تمارک خود را از سلسله هواخواهان روس جدا ساخت و در روز
 ۱۹ اگست ۱۷۰۰ معاهده شد در میان سویدن و تمارک - بجزر و یک چارلس با و تمارک معاهده نمود
 هدی بجانپ روسیان نهاد که محاصره نموده بودند و آرا با هشتاد هزار مرد و شش هزار اسب (چارلس)

تاریخ سبکت بنویا ۱۳۱

با و از ده هزار مرد بجهت یاری آن مقام رفت بدون اشکال آنجا را بقبضه خود آورده و راه کرد
 که حمله سختی بشکرگاه روسیان بر دروسیان زمانی را پای فشرودنگر پس از زود خوردی که سعادت
 بطول کشید مغلوب گشتند و تن بسیاری از ایشان بجاک افتاد و چو چلس مظهر داخل آن قلعه شد در آن
 ۳۰ نومبر ۱۲۰۰ - طلاوه بر چندین هزار که از روسیان کشته شده و بسیاری دیگر که در رود غرق
 شدند سی هزار از ایشان اسیر آمد و تمام اسباب و ساز و سامان شان بهم چنگ اهل سویدن
 در افتاد و چو چلس تمام ایشان را ربابی بخشید بجز سیران ایشان که با آنها نیز در کمال مردانگی و مرد
 عمل نمود - بعد از این جنگ چو چلس مذکور در استان رادر شد و ابرو بود و بجزر و بکه هوا خوش گشت
 با قیوم و هر که نهاد و قریب ریگان نمایان شد که آنجا نگاه را پادشاه پلند پیفاید محاصر نمود
 بود - اهل پلند و اهل سنسنی در کنار رود و نیمه زده بودند و چو چلس ۱۲ که در جانب دیگر رود
 بود و آنجا بود که بز و طرقتی از برای عبور نمود بکشتاید و بهر اشکالی که بود آخر معبری کشت و جنگ
 مشغولت شد مگر بکشتار زیادی اسویه فتح گشتند و قریب سه هزار مرد با تمام توپخانه و سامان از
 سپاه خصم تلفت شد - فوای پس از این فتح چو چلس وان شد بجانب پیشاکه دارالملک کورگند است
 و شهر مذکور و تمام قلاع اطراف و حول و حوش آن تمام اطاعت او کردند - از کورگند بجانب
 پیشاکه روان شد و چنین میگویند که چون لشیر سیران داخل شد با فتح و نصرت بجایت شاکر
 فتح گشت چون خود را دید و شهری که چند ماه قبل از آن پادشاه پلند و سپهر نشسته و طرح پایمالی
 و تباهی او را ساخته - در اینجا آتش کین او هم شتعال پذیرفت و تمهیدی نمود که پادشاه پلند را از
 تخت فرود آورده و با وسط رعیت خودش - چون باشندگان پلند دیدند که قلاع شان پایمال

این جنگ
 در آن وقت
 در آنجا
 در آنجا

تاج سنگ نیویا ۱۳۲

سپاه کسن شده و حدود ملک شان در کت و میان است دست فوسین بکد بگر سووند و اینها
 نه چندان در قید قحندی بودند که رشک میبردند یعنی در شتم بودند از آن حال چنان تصور میکردند
 که پادشاه ایشان جنگ با سویدن بجای آورده بود که لشکر بجا بماند (راوی ۱۷۰۱)
 باری اگر سایر فتوحات پادشاه سویدن را ذکر کنیم ذکر بزرگ میشود همین قدر مختصر میکنیم که پادشاه
 یلند را از ملک خود براند و پادشاه مذکور پناه به پیتیر برد و در گرفت و آن این هر دو پادشاه متوجه شدند
 در مخالفت چیرس بگر سپاه روس در بجا از سپاه سویدن شکست بخورد و منبهم میشد و بالاخره پادشاه یلند
 اظهار در خدمت صلح نمود باین نحو صلح شد که مشارالیه تمام حقوق خود را بتاج یلند فرو گذارد و متوجه
 نماید که از سنیسلس وارث واقعی تاج مذکور است این اقصا صوت وقوع یافت در نوامبر ماه
 سال ۱۷۰۶ و از این بعد سایر دول یورپ اظهار دوستی نمودند با پادشاه سویدن و نیز لوئیس چهاردهم
 بابت اتحاد و دوستی کشور با او - مجمل چون بواسطه موجباتی که ذکر نمودیم اقتدار و استیلا ی این پادشاه
 روی تینزل نهاد تمام ممالکی را که گرفته بود از کفش بشد و وقتی از اوقات بغیر تخیل ناروی وان بود
 که در راه هلاک شد و ناروی بهمان وتیره و تبعیت انقیاد و نمارک بماند - بعد از وفات این پادشاه
 قوت و اقتدار پادشاه ملک سویدن بجای از دست بشد و نقص پذیرفت مکرر ایالت حکومت
 مقرر شده با خلق که آنرا می نامند آریستکریسی قوت بهم رسانید - در بین جنگهای والیونس
 که در ملک فرانس واقع شد در سال ۱۷۹۳ پادشاه سویدن (نهم چیرس ۱۲) ابتدا سواخواه فرانس بود
 ولیکن بعد از آن با خصم شده و در مخالفت ملک مذکور پای نشد - در زمان صلح ۱۸۱۴ پادشاه
 مذکور ناروی را از نمارک گرفت و در عوض پاره پناه جزیره روکن را داد -

سینه از سنیسلس
 سینه از سنیسلس
 سینه از سنیسلس

وینمارک

جغرافیا

وینمارک اکنون منحصر است به سمت شمالی چهل و دو درجه که در قریب واقع است
 اگر چه این ملک بسیار فقیر است مگر ثلثی است بسیار قدیمی - جنگی که جنگ با بین جزیرتی وینمارک
 واقع شد در سال ۱۸۶۴ در سمت جنوبی این ملک که سیاسونویگ نام داشتین بوده باشد چیزی
 قتلقت یافت در سال ۱۸۶۵ تمام فصاحت این ملک مع جزایر آن ۱۳۰ هزار و پانصد میل مربع بود
 خلقیت آن در سال ۱۸۷۰ تقریباً ۲۰۱۴۰۰ نفس بود و طول آن کم از ۲۰۰ میل -
 پیش از یک ملت وینمارک یا قریب ... ۵۰ میل مربع آن جزیره است مگر بزرگترین هم اینها نیستند
 که در دنیاال فکر میشوند - زلیله که ... ۲۷۰ میل مربع فصاحت آن است و قریب ... ۶۴۰۰ نفس
 خلقیت آن - فونین (یا فین) که ۲۵۰ میل مربع وسعت دارد پیش از ملت خلقیت ملین
 خلقیت لالند ۲۶۲ میل مربع زمین دارد و ... خلقیت فلکستر ۲۰۰ میل مربع
 زمین دارد و ... خلقیت - پارن کلم ۲۲۱ میل مربع زمین دارد و ... خلقیت -
 سطح ارض - وینمارک متعلق بان حصه عظیم شمال یورپ است که مسطح و صاف واقع شده
 و هیچ جایی فصاحت آن از ... فوت بیش نیست و بظاہر اگر چه پراستروارینمایید مگر در جانب شرقی

در سینه کتب
 در این کتاب

جغرافیای نمارک

بعضی انگلستان است مشحون بر اشجار جنگل اما در جانب غرب زمین آن پست رگیستان است آنگی بسیاری
و از چنانچه یکی از جغرافیایان نویسد که نیک... آنگی دار و مگر اغلب خوردند و بنا بر این در هر طرفی
از نیک بقاصد... میل آب است ولی روضانه در نیک نیست چرا که کوهستان ندارد...
هوای نیک معتدل است نسبت بخلی که در آن واقع شده بواسطه بادیکه از جانب مغرب میوزد
و باران زیادی با خودی آورد و هوایش مرطوب است بسیار مناسب بحال نباتات... زمستان
سرد است و کربسایر و مجرای آبی که واقع است مابین جزایر گرفته است یکی چنانچه در سال ۱۹۵۷ ع
شکر چسب ۱۳ مع تمام سامان و توپخانه خود از این معابر عبور کرد و در روی سنج و جزایری را که ذکر کردیم
ملاحظه نمود... و شهر کاپون... در تمام سال اقل اعتدال بود ۴ درجه است...
خاک... نیک پر قوت است و حاصل خیز در شرق و جزایر آن بخوبی سبز و خرم و حاصل خیز است لیکن
در طرف مغرب آن قطعات گستان است... حاصل نیک از حیوان و نبات همان است که در نیک
انگند است مگر در این نیک خاک جنگلی دارد و غازی هم یافت میشود... ماهی گیری نیک بسیار است و مقدار
زیادی از چند قسم ماهی حاصل میشود... هیچگونه معدنیاتی در نیک نمارک یافت نمیشود بجز سنگ نمایی
که از آن عمارت میسازند و مرمر آسمانی رنگ و خاک کوزه گری و زغال نیم در یکی از جزایر بسیار قلیل است
میتواند که چری نمارک... پشمینه و ظروف گلی... جزیره (بارن) یا پیشو...
مشاغلی این نمارک عمدتاً زراعت است و بحر انوری و دریا گروی که اغلب اکثر خلق آنها اشتغال
دارند... چنانچه ذکر کردیم... نیک چون در نیک که ناسباتی لازم آن یافت میشود و نه
زغال... اگر اسباب آن هم فراهم باشد فایده دیگری نباشد... تجارت این ملک...

بیشتر مال التجاره خارجش قرص و عن است جوپ و پشم و گوشت خوک و پوست جانوران ماهی و کره و پیه اما مال التجاره داخلش قماش است کتان و پشمینه و زغال نمک میوه و شراب غیره -
 طرق و شوارع - این ملک اشاهز بهای بسیار عمده است و تقریباً شهر و انگار کا و خطمی از آن بکند
 پیوسته است و کشتی های قشقی در آنها کار میکنند و در این ملک چند نهر بریده نیز هست و بیش از ۵۰
 میل یوی هم دارد -

حکومت ملک وینمارک سلطنتی است با اصول ملی موروثی و اقتدار جریان احکام و قوانین آنکه از شاه
 پادشاه و اعظم از وزرایش اختیار ابدع قوانین و آنگاه است پادشاه و پتی که مشتمل است از
 مجلس شورای خامنه و عامه -

اهل وینمارک غالباً از ذات تیوتان هستند در اصل و نژاد و لیکن از چهار شعبه و سلسله اند - اول دین
 که از همه پیش اند بخت و قدر گرفته اند و شلز و ویک و نیز این غلیبه را - و دوم جرمن که قدر گرفته اند
 شلز و یک و لا اینرگ را - سوم فریسی که بعضی از جزایر کوچک کنار دریای شلز و یک را مسکن
 چهارم انگلیس که قدر گرفته اند یک جانب دیگر ساحل شلز و یک را و اینها دو دود و اهل هستند که
 انگلیس از آنها است - از بیگانگان که در این ملک سکونت دارند عهد و پیمان است که در التنا و کاپتا
 همگی بسیار است - عمده لغتی که به این ملک از لغت اهل سکندریه است که اصل ماده آن لغت
 کات است و در بار سلطنت بلجیت جرمن و فرنج هم تکلم میکنند - و باقیین اهل دولت وینمارک
 اگر چه در این ایام اخیر از حالت عبودیت و بندگی رستند مگر هنوز جهان وضع و صورت را در این ملک
 در عالم عبودیت راه میفرزند و حکومت را در هر امری از امور ایشان با غلبت است -

در این ملک
 شلز و یک

تاریخ

کتابخانه ملی ایران

نخستین خاندانی که در ملک دنمارک سلطنت نمود در تواریخ ثبت است موسوم اند به اسکیلدین چیا
 (یعنی خاندان اسکیلد) - در صد سال ششمین عیسوی اهل دنمارک مشهور و معروف اتفاق شدند در
 دزدی کردن در دریا و با اتفاق اهل ناروی در نزد سایر طوایف یورپ مغرب و معروف شدند
 به نازگمن (نارمن) یعنی اهل نارت که شمال بوده باشد - در سال ۸۳۲ هجری کنگلند فرود آمد
 و یک قسمت آنرا گرفته مسکن خویش ساختند آنگاه بسرداری یعنی در زیر علم و فرمان رانفت می
 ناخت آوردند بساحل ملک فرانس (۹۱۱) و زمینی را گرفته جای اقامت نمودند و موسوسان ساختند
 نازمندی و نیز چند جزیره دیگر و حشد از ملک آیرلند را گرفته از آنجا قدم پیشتر نهادند که اکنون
 وایتالی و سیسیلی را هم گرفتند و در هر کجا سیکه قدم نهادند آنجا پیر ساختند از خوف و استن
 و تاراج - اسونیدین پادشاهی بود از آن ملک بسیار قوی باز و در سال ۱۰۰۰ عیسوی
 قسمتی از ناروی را گرفت و همچنین در سال ۱۰۱۴ کنگلند را سخر نمود و سپاه کتیوت که در عهد او
 استیلای دنمارک باقصی انفاست رسیده بود این فتوحات را بیل داد و همچنین فتح نمود قسمتی از
 اسکاتلند را و لیکن پادشاهانی که از آن پس آمدند بغایت گم نام و حقیر بودند تا در او آخر صد سال
 چهاردهمین (۱۳۹۲) هنگامیکه ملکه دنمارک صرگرت متحد ساخت اسونیدین و دنمارک ناروی را
 چون ناروی را بوارشت یافته بود و اسونیدین را بزور شمشیر راوه داشت که آن اشخا و راه امی سا
 لهذا رسای هر سه ملک اجمع کرد و در جاییکه می نامندش کلمه و در آنجا مقرری نمود و قانونی قرار داد که

۱۳۴
تاریخ و شمارک

از آن زمان بعد همواره این سرملک متحد باشند و تابع یک پادشاهی که چون یکی از این سرملکها و پادشاهی
 خودگزینند آن سرملک بگیریم مضامین و اهل سرملکی نگاهداری بیروی کنانین برهم و فواید بسیار خوب
 و باشتگان یک ملک و دیگر ملک صاحب بهات عالی و مناسب تعالیه نشوند. باجملا این ملک تا
 پانزده سال پس از این اتحاد و جهان است نمود و در نهایت خوبی و توانائی آن اتحاد و نگاهداری کرد و گوی
 از آن در زمان جانشین این امر یک عداوت و مخالفت بین اهل سویدن و شمارک موجب فساد و گشت است
 پادشاه و گیر اختیار کردند چند انقلاب فتنه و فساد بیرونی حادث گشت تا اینکه در سیستین ۱۶۰۲ که تهمتن
 بینامیه شرقی و شاهنشاهی بعد از یک شکست بهریمت سختی در سال ۱۵۲۰ اهل سویدن را مغلوب تابع خویش ساخت.
 جلوس و تاج گذاری این پادشاه مذکور مع قتل عام عظیمی که یک صد هزار از اعراد اعظم کشته شدند در یک روز
 (۸ ماه نوامبر ۱۵۲۰) واقع شد مگر سویدن بزودی بجهت خود یکجایی و کینه کشی پیدا نمود و آن بود که قتل و سنا
 یکی از اجزای خاندان سلطنت اینکف غابیس و دیگر خیمه خود را برپا ساخت و بقاتی در رود و در کوستان
 می بود و فروری میگرد و کنان معان با کمال خاطر جمعی تمید که وقتی از اوقات خواهد آمد که او بهرخت سویدن
 نشیند چون فرصت نیکی بدست آورد و خود را ظاهر ساخت علم کشی برافراشت و ابتدا نایب السلطنه و بعد
 از آن پادشاه سویدن گشت سال ۱۵۲۳ - کریستین ۲ در پیش از تخت فرود آورد و شخص دیگری
 فروری یک را پادشاه و شمارک تاروی ساختند بعد از آنکه چندین با سعی و کوشش برپا نمود این کریستین
 ظالم به صفات بقید و افتاد و در مجلس بزرگ (۱۵۵۹) فروری یک را پیش کریستین ۳ جانشین گشت و سال
 ۱۵۳۴ او این پادشاهی بود بسیار خردمند عالیقدرترین سلاطین عهد خود بود. در سبب پرستنت را
 و ملک شمارک تاروی او اساس نهاد و موجب شد بتاسی گستاوس که همین در سبب اجاری و شهرت در

۱۳۸ تاریخ و شمارک

ملک سویدن - با بجمه گریستین از جهان بشد در سال ۱۵۵۹ و گستاوس در سال ۱۵۶۰ و هر دو پادشاهان
 عظیم الشان مردندی بودند چنانچه نامشان در فایده حرمت و عزت مانده است میان عایای ایشان
 عجیب ترین اتفاقی که قابل تذکار است بعد از این واقعات مذکوره در تاریخ سوئد است که واقع شد در
 سال ۱۶۶۰ که بواسطه آن سلطنتی که تا آن زمان جریان آن با اختیار امر و اعظم بود موروثی و بالاصا که و
 شد و در آن مدت هیچ وجه جنگ و جدال و تنازعی نبود و همه جا امن و امان بود و کلنی های و شمارک
 قزایش یافت و بزور و قوت فیلدین ا و شمارک سرسختی برداشت مگر صد غنیمی بر آن وار آمد
 و آن این بود که انگلند در سال ۱۸۰۷ بضرر گلوله گرفت شهر کلین بسکین را که پای تخت شمارک است
 در سال ۱۸۱۴ که صلح شد در میان تمام دول و ممالک یورپ و شمارک لاچار گشت به انگلند
 و اگذار به انگلند کند و تاروسی را با سویدن را کند و در عوض پامیرینیا را بگیرد و در سال بعد آن
 پامیرینیا را اگذار نمود به پروس و شیا در عوض لا انبرگ - سلطنت و شمارک تا سال ۱۸۳۴
 مستقل بود و بستنای صنایع و کالستین و لا انبرگ و از آن زمان شروع شد که در مجال
 انضباط و بند و بست و کلا فی مقرر شود از جانب عموم خلق بجهت نظم و نسق حکومت ملک مذکور
 و چی با سرکشی آغاز نمودند در سال ۱۸۴۸ و لیکن مجدداً دول عظیمه متفق شده امور آن را
 صورت انضباط و اصلاح دادند مشروط بر این که صنایع شلنر و یک از و شمارک خارج
 باشد و نیز و شمارک و کالستین پاکد گیر مخلوط و مزوج نباشد -

سلطنت سوئد
 سلطنت دانمارک
 سلطنت پروس

آیس لند

جغرافیا

آیس لند از جمله جزایر متعلقه و نمارک است و محیط آن نزدیک قریب ۲۰۰ مایل دور در جانب غربی ناروی طول آن ۲۰۰ مایل است و عرض آن ۱۰ مایل و مساحت آن ۲۰۰ مایل مربع است. صفحه روی این جزیره تمام کوهستان است و قله بسیار عالی دارد که سراسر پوشیده است از برف و در وره های آن جبال مسافت ۲۰۰ مایل مربع پنج بسته و جبال آتش فشان در این جزیره بسیار است که پیوسته شعلات آتش از آنها متصاعد است بقسمی که سراسر این جزیره را دشتی نموده است از آتش هوای این جزیره مختلف است و خاکش بی حاصل - نبات و کلم در آن میروید و لباس و لی بچگونگی حبه در آن نمی روید و چوب و پشم بکلی در آن یافت نمی شود.

مشغل مردم آن غالباً شبانی است پرورش حیوانات و گرفتن ماهی مرغ و شکار کردن - تجارت آن اکثر با نمارک است و مال التجاره خارج اش نمک است و ماهی خشک و روغن چراغ و پشم و پشم - و مال التجاره داخل اش آهن است و پشم و قماش -

باشندگان این جزیره اهل اسکندنیویا هستند که در سال ۱۷۷۰ رفته و در این جزیره سکونت گزیدند

تاریخ آیس لند ۱۲۰

در سال ۱۸۲۸ عدد ایشان ۶۸۵۶۰ نفس بود که اغلب شان در سواحل آن اقامت نمودند و مردم بسیار دانا و تربیت یافته میباشند و بچکانه پرست و اگر چه زبان اهل نمارک را نوجوی میدانند مگر هنوز بزبان قدیم خود تکلم اند و در مذہب یکسان اند با اهل نمارک - این قوم وابسته بدولت و نمارک نبود تا سال ۱۳۸۰ چنین معروف است که باشندگان این جزیره قبل از آنکه کلمبوس در سال ۱۴۹۲ امریکا را پیدا کند پانصد سال جانب شمال و مشرق آنکه اسپینا کرده دیده بودند و این استعماری ندارد و احتمال بسیار کثی می رود زیرا که از آیس لند گرین لند شاید صد میل یا کمتر بوده باشد - ۲۵ جزیره دیگر هم هست متعلق بدنمارک مگر چندتا قابل تذکار نیستند فقط روی هم رفته ۴۹۵ میل مربع زمین آنهاست و ۶۸۱۵۰ نفس خلقت آنها

تاریخ

طریق پیدا شدن این جزیره را چنین نوشته اند که وقتی ازاوقات (سال ۸۶۱) یکی از شتیها در وان دریائی ناروی بواسطه موج و تلاطم دریا و استیز باد مخالف بساحل این جزیره افتاد و این قوم اول قومی بود که در این جزیره سکونت بادوام و بالاکستمر گزید در سال ۸۷۴ وجه اقامت شان در این جزیره این بود که جماعتی از این قوم از دست ظلم و تعدی پادشاه خود بجان آمده جلاد وطن اختیار کرده در این جزیره سکونت گزیدند - آنکلی پیش از پنجاه سال تمام سواحل جزیره مذکور سکون شد و قریب سال ۹۲۸ یک مجلس طایفه مقرر شد در میان ایشان یعنی بنای حکومتی نهادند و این قوم تا قریب ۴۰ سال باستقلال تمام گذرانیدند و در این

۱۲۱
تاریخ آکس لندن

بانه که زمانی علم و هنر شایع شد و ترقی کاملی کرد که زمان آغاز آن ترقی و بحال آکس
صد سال دوازدهم بود و انجامش و آخر صد سال چهاردهم - در سال ۱۲۶۱ آکس لندن
تابع ماری شد و پس از آن مع ماری در تحت و تمارک درآمد و زمین لرزش و زلزله
بی نهایت خلقت آنرا ضعیف داد -

اهل آکس لندن متعلق اند به نژاد اهل اسکندریه و یونان و زبان شان از آنچه بوده است در قدیم الایام
بسیار کم تغییر و تبدیل بهم رسانیده و بعضی از فصحا و بلغای عالی شان هم در میان ایشان پیدا
شده که این لغت را در نهایت توجه و خوبی و شیرینی استعمال نموده اند و از جمله نوشته
اهل این ملک کتابی باقی مانده است در کتابخانه که هر چند بد وضع است مگر تا یک اندازه
قریب است نوشته تجات یونانیان یعنی بحسب طرز جدیدی که دارد و وضع خاصی که در آن
بکار رفته - هر دم آکس لندن بسیار وطن دوست است و غریب نواز و مذنبان او ترن است
و چند مدرسه هم دارند بجهت آموختن علم و در آنها لیکن تعلیم و تعلم خانگی بسیار خوبی میشود در میان
کسی نیست در این قوم که اقل خواندن و نوشتن نداند و در این زمان ساکنان حسب بره
مذکور از نفس نیست و شهری که دارا حکومت آن است ریگا و نیک
نام دارد که قریب ۲۰۰ نفر در آن سکونت دارند - اکثری از اهل این شهر در کلبه
می نشینند و گذران ایشان از گرفتن ماهی است و پرورش گل و گیاه و حاصل زمین
خود کباب اجناس دیگر ممالک معا و غده میکنند -

ملک فرانس

جغرافیا

فرانس (یعنی ملک فرنگها یا فرنگیان) یکی از بزرگترین و قلمروترین تربیت یافته ترین و قوی ترین ممالک یورپ است که رفته رفته از هزار سال قبل از این تا کنون در برده و وسیع شده تا باین وسعت و عظمت امروزه اش رسیده مگر در آغاز جزیره بود که کم کم وسعت پیدا کرد و یک فرانس پادشاه آن شد و سال ۹۸۷ میلادی -

مساحت فرانس ۲۰۱۹۰۰ میل مربع است (در جنگ با جرمنی سال ۱۸۷۱ از فرانسه ۵۵۸۰ میل مربع واگذار شد به جرمنی) غایت طولش از شمال جنوب ۶۰۸ میل است و غایت عرضش از مشرق مغرب ۵۴۰ میل - فرانس از نواحی طبیعی بسیار است و حیثیت مکانیت و بودنش در کناره دریای مدیترانه و محیط اقلیم تنگیک -

جزایر فرانس بموجب ذیل است -

آلدرنی - ۳ میل مربع زمین دارد و ۲۷۲۸۰ خلقیت -

گرینسی - ۲۵ میل مربع مساحت آن است ۳۰۶۸۵۰ خلقیت آن -

سرن - ۲ میل مربع است و ۵۴۶۰ خلقیت دارد -

جزیره - ۱۴۵ میل مربع زمین دارد و ۵۹۹۲۲۰ خلقیت -

۱۲۳ جغرافیای فرانس

اوشانت - ۵۱ میل مربع زمین دارد و ۴۵۰۰۰ خلقیت

بل ایل - ۴۵ الی ۵۰ میل مربع زمین دارد و ۱۰۰۰ خلقیت

نازوتیر - ۸۰ میل مربع زمین است و ۸۰۰۰ خلقیت دارد

البران - ۱۳۰ میل مربع زمین دارد و ۲۰۰۰ خلقیت

پرنی - ۹۰ میل مربع زمین دارد و ۱۸۰۰۰ خلقیت

کرسیکا - ۲۵۳۵ میل مربع زمین دارد و ۴۵۸۵۰۶ خلقیت

از این جزایر چند جزیره متعلق است با مکنه و کرسیکا اگر چه در واقع بحسب ملکیت نسبت به مکنه ملک ایتالیا بحسب ملکیت متعلق گشته است به فرانس از سال ۱۷۹۸ و این جزایر مذکور همه خوش آب و هوا هستند و معمور و سرسبز و خرم و حاصل بسیار خوب هم دارند.

سطح - فرانس در جانب شرق و جنوب تمام کوهستان است و در وسط و غرب مشتمل است

بر اتلال بسیار و در جانب ساحل محیط اهنیک سطح است و گیتان - جبال این ملک عمد

مشترک است در میان این دیگر ممالک چنانچه پرنیتر واقع است فیما بین فرانس و اسپین که

کشیده است از مشرق بمغرب و رفیع ترین قله آن پونپیل است که ۱۰۷۹۱ فوت رفیع است

حصه غربی آلپس واقع است در میان فرانس و ایتالیا و رفیع ترین قله آن بلانک است

که ۱۵۰۰۰ فوت رفیع است دارد - قلعه سستی ۱۱۶۸۰ و قلعه پلور ۶۴۶۴ و ۱۳۶۴ فوت است هر دو

متعلق اند به آلپس - جبال ژورا واقع است ما بین فرانس و سوئیس رفیع ترین قله

آن ۵۶۵۶ فوت ارتفاع دارد یعنی بجز جبال هم بس که از همه بزرگتر است و ارتفاعش هزار و شصت و شصت و شصت است.

۱۳۳
جغرافیای فرانس

زمینهای مرتفع سطح فرانس یکی آن است که در آن واقع شده است کوه آوزرن و این سلسله است از جبال آتش نشان - یکی دیگر آنها در طرف شمال مشرق افتاده که در آن بعضی از جبال جنگلی سنگلاخ هم هست - دشتهای این ملک پنج است - آدشت پاریس است که بهترین و سبزترین و حاصل خیزترین دشتهای این ملک است - آدشت اربلین و پیکرونی است این دشت نیز معروف است در حاصل خیزی چنانچه عمده حاصل این دشت خوب است - آدشت پاریس و تارین است - آدشت گسکان است که عمده اراضی فرانس است بحسب پیدایش گندم و انگور - آدشتی است که مینامندش لاند یعنی سطح و این زمین سبزی است لم نریع مشتمل بر بل سیاه و سرخ - در این چند سال سعی و کوشش زیادی شده است که این زمین زودتر شود و بعضی درختها نیز کاشانیده اند در آن بعضی سبزی آلات هم زراعت کرده اند که هنوز بقدر ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰ میل مربع آن کلی خالی از انسان حیوان و نبات افتاده و بندرت چوپانی پیدا میشود و آن که پوست گوسفند پوشیده و بکلی خود را بصوت حیوان درآورده است -
 انهار - فرانس آب کثرت است آبهای آن مساوات از چهار جانب سر شیب در چهار چهار و پامیریز و دریای شمال انگلیش جنل سمیره پیک و دریای مدیترین و نبرگین رودهای فرانس سپین است و لاند و گرن و رن و این رودهای مذکوره روی هم رفته بقدر سه ربع تمام سطح فرانس را فرا گرفته اند و چند رود دیگر هم هست در فرانس که چندین قابل مذکار نیستند - آنگیر در این ملک بسیار معدود است و ناقابل -
 هوا - در خوشی و اعتدال سلامتی هوای فرانس بهترین هواهای تمام ممالک یورپ است

۱۴۵
جغرافیای فرانس

مع ذلک در جانب شمال سردی مستان غالباً سخت است و برخلاف در جنوب تابستان گاه گاهی
بانتهای گرمی میرسد. در سوآل یای مدیترانه درختی با حاصل میوه از باوای گرمی که
از ریگستانهای شمال افریقای و زد. غایت اعتدال هوای فرانس در ایام سال ۵۰ درجه است
در شمال و ۵۸ درجه است در وسط و ۶۰ درجه در جنوب و در تمام سال ۲۲ اینچ بارش می بارد
در شمال و در سوآل پاریس ۵ اینچ و در دشت رن ۳۵ اینچ -
خاک فرانس مطلقاً حاصل خیر است و بعضی ازاراضی و اشلایح آن در حاصل خیری در عالم ماعتد
و نقطه بقدر و در یک از تمام این ملک زرع است. حاصل و پیدایش خاک فرانس با فراط و جملات
بسیار است. آما از حیوان آنچه در انگلند است در فرانس نیز هست که در ایران و این ملکها نیست
از گیوه یکی یا دو قسم از انگلند بیشتر است در فرانس. از هوام و حشرات الارض که در پیدایش و
عقرب و خرچنگ و چلپاسته بزرگ سبز رنگ در این ملک بسیار است. سبزی آلات نباتات
بحساب و اقسام مختلف در فرانس و چندان است از آنچه در ملک انگلند است و از میوه جات
در فرانس انگور است و نایب و میوه و پسته و انجیر و باوای و پسته و غیره که هیچ یک از آن در انگلستان
یافت نمی شود و در جنگلهای فرانس کازک بسیار است و نیز پنبه و تاباکو و مختلف اشیائی که با آنها
پارچه با رنگ میکنند و شکر که از چغندر میسازند. انگور ملک فرانس بسیار است چندانکه در بعضی
زمین آن در زیر زراعت انگور است و لهذا اعتبار در این ملک مورد دارد و با اقسام بسیار مختلف
میکشند که در هیچ یک از ممالک نیست. معدنیات ملک عمده نمک است و این ملک سنگ بسیار
سنگ عمارت و سنگ لوح و سنگ مرمر و در فرانس نیز از هر چه معدنی دارد که اکثر آنها گرانیت است.

فرانس حاصل میوه
سخت از آنچه در فرانس است
سخت از آنچه در فرانس است

جغرافیای فرانس

خلقیت در بیان - خلقیت فرانس در ماه جنوری ۱۸۷۳ تعداد شد ۲۸۲۰۲۸۲ نفر بود
 که صدق ۱۹۰۰۰۰۰۰ شرح بود که در اصل فرانس از مخرج و مخلوط از قوم سلامت و زمین و بیوتان بشیبه
 و حصه دیگر از آن نسبت و انتهای مختلف بود که از ممالک دیگر در پران نشان چهار وطن گزیده
 پانزده ملک آمده اند - بیان خلق و دربار حکومت و نوشتجات و کتب انیمیک تمام است
 فرانس است که تمدن و باقیه است از زمین و زمین و بعضی از ضلع بلخات مختلف و دیگر هم
 بعضی از خلق و در بعضی ادواتی خاص -

تمام ملک فرانس تقسیم شده است به ۸۷ و پرتغالیست این تقسیم قبل از جنگ فرانس و جری
 و قسمت بود که هر چه در ممالک شدیما بین این دو ملک نه کوری از این و پرتغالیست و او گدا
 شد جری و یکی نشان دیگری شد که اکنون باقی تفصیل آن نیست - پای تخت این ملک پاریس است
 که قریب فرانس خلقیت دارد و دیگر شهرهای عظیمه متعدد و در این ملک است
 که از سد ملک و در کمال خلقیت دارد -

نشان عمل - در سده ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و بیستم و بیست و یکم و بیست و دوم
 و غیره نشان عملی چندان زراعت نمی شود که فرانس چنین میگویند که برای سیرنج از تمام
 آن قابل است و عمدتاً زراعت و نباتات آن گندم است و جو و رانی و زرت و انگور
 و چغندر و آرد و نان و غیره - گوشت و گاو و شتر و گاو بسیار است فرانس مرغ خانگی نیز بسیار
 پرورش می شود و تخم مرغ اکثر این ملک بدگیر ممالک می رود - زنبور و عسل کم پیدا می شود
 و انیمیک پرورش می شود - مینو کچری فرانس در وسعت و کثرت شانی آن است و عمدتاً

جغرافیای فرانس

یا قطن پارچه های ابریشمین قماش و پشمینه و کتان و مسکرات و شکر و چرم و سامان چرمین و جواهرات
و اسباب آتشخوار و بار ختن و مشینری و چوبینه آلات و صابون و کاغذ و کلاه است و غیره -
کنندن معاون یکی از بزرگترین و ثمرین است و شغل اهل فرانس است و عمده معدنیات آن آهن است
و زغال - تجارت فرانس بسیار است و عمده مال التجاره خارج اش پارچه ها و سایر اشیاء
ابریشمین است و پشمین و مسکرات و اثاث البیت و جنس خوراکی یعنی حبوبات و دست کش
و جواهرات و زرینه آلات و غیره و عمده مال التجاره داخل اش ابریشمین است و پشمین و کتان
و پشمینه و زغال و فلزات و غیره -

طرق و شوارع - فرانس بسیار ممتاز و محبوب است و شاهراه های بسیار خوب دارد
و متعه و رود های قابل مسافرت و ریلوی هم با حسن و زیکوتر و جوی ساخته شده و چنانچه
سال ۱۸۶۳ بقدر ۱۱۰۰۰ مایل ریلوی آماده و ساخته داشت و ۲۰۰۰ مایل تلگراف
تربیت - در ملک فرانس وضع بسیار خوبی قرار داده شده است بجهت تعلیم و تعلیم
عموم خلق و آن رشته شده است خاص و امور متعلقه حکومت که واکدار است بیک
مجلس کونسل معین که یکی از وزرای دولت در آن مجلس حکومت دارد و در این وقت
حکومت ملک را بجا می آید بجهت تربیت و تعلیم خلق و لیکن چنین اقتوار شده است که
خلقیت فرانس در تحت این تهیه و مدارکی که اکنون دیده اند بجهت تربیت عامه نخواهند آمد
تا اینکه انقلابی پشت و قمرنی بگذرد و از این مردم و از این زمان - در سال ۱۸۶۴
پیوسته بود که صد تن در تمام لشکریان فرانس احمی و ناخوانده بود -

۱۱۸
 جغرافیای فرانس

در جغرافیای چمبر نوشته است که لغت فرانس مشفق است از لغت اهل روم (روم) و در لغت فرانس
 این لغت پیش از هر لغتی جریان یافته است در دیگر ممالک دول و آغاز صفاتی پاکیزگی
 این لغت بیشتر از عهد سلطنت چیرلس ۱۴ است و از آن زمان مذکور در فرانس هر رشته از علوم
 ترقی یافته چنانچه در علم ریاضی و طبیعی بغایت ترقی دارد و باوج کمال رسیده است و نمونگی
 سنوای شعر در هر فنی از فنون دیگر علم و ادب و حکمت فرانس لاثانی بوده باشد - چنین میگویند
 که کتب و اخبار و روزنامه و امثال ذلک که در هر سال در فرانس طبع میشود ۴۰ میلیون است
 شگفتی نیست که اکثر و اغلب از اینجه را پیش از یک روز فایده نیست مگر عیب کلی این غایت
 حسرت و آسوس در این است که بسیاری از این کتب بجهت تهذیب عموم خلق ملک خوبست
 یعنی چنان نوشته شده که خلق غیر مهذب و بد فعال میشوند -

حکومت - حکومت فرانس از سال ۱۸۷۰ با اسم ریپبلیک بود مگر در این اوقات
 ریپلیک واقعی است و امروزه اختیار کل امور ملک با اختیار مجلس عامی است که مینامند
 قشیشل اسمبلی و مشتمل است از ۷۳۰ جزیره که عموم خلق اختیار میکنند هر یک از آن اجزاء را و
 اجزای مجلس مذکور اختیار میکنند خویش خود را که تمام رتق و فتق امور ملک بکف او نهاده است
 به حسب - اهل فرانس عیسوی است از قسم من کتلیک مگر اختیار و آزادی مطلق است
 در برای هر گونه مذموب و طریق و علمای من کتلیک و پرستشنت هر دو از دولت مستمری
 و واجب دارند از فند عام یعنی بیت المال که برای اینگونه مخارج و مصارف مقرر است -

کتاب جغرافیای فرانسه
 جلد اول
 صفحه ۱۱۸

تاریخ

باشندگان نخستین گال قوم سلت بودند که قبل از آن نمیتوان قومی را مشخص نمود که در حدود غربی مملکت یورپ سکونت داشته باشد. ملک فرانس بدست جولیوس سیزم مسخر گشت و ۵۵ سال قبل از تاریخ عیسوی متعلق شد به ملک و میان - در سال پنجمین عیسوی گال محل دستبرد و تاخت تاریخ قوم گات و اهل برگندی و قوم فرنگ واقع گشت و این قوم اخیر ملک مذکور را در قبضه خود داشت که بهمان مناسبت این ملک اجداد آن خوانند فرانس - اساس پادشاهی او را این ملک کلویس یکی از باشندگان آن نهاد و در سال ۴۸ عیسوی و بواسطه پیدا شدن ندرسب عیسوی در آن معروف و مشهور جهان گشت امتیاز بهم رسانید از سایر ممالک یورپ همین قیصر و وزیر و قوت و استیلا ای آن زیاده میشد تا زمان سلطنت ششمین در او اخر صد سال هشتم عیسوی که در آن وقت آن کشیده شد تقسیم از خاک جرمینی و ایتالی و اسپین همچنین تمام خود ملک فرانس و آنگاه موسوم گشت و مملکت جدید مغرب " پس از مرگ ششمین در فقط مملکت بدان وسعت تقسیم و قطع قطع شد بلکه خود ملک فرانس هم تقسیم گشت در میان امرا و اعظم که هر یک از ایشان شخصی شد مختار و مستقل و بخش خود گرفته رفته این امرا و اعظم چندان قوت و استعداد بهم رسانیدند و چندان استقلال و قدرت یافتند که پادشاهی را که در آن عهد بر ایشان پادشاه بود خراب نام و تاج بیش زمانه چنانچه یکی از آن امرا که بن استقلال و اقتدار رسیده بودند ولیم بود و یوک شام ناز شدی که در سال ۱۰۶۶ حمل ملک انگلند آورد و ملک مذکور را گرفته رسم فیودل را در آن جاری ساخت -

تاریخ فرانس

۱۲۰
تاریخ فرانس

چون خاندان برونو کنت در سال ۹۸۷ بر تخت فرانس بر نشاندند بر چند نفر از ضعیفای این امر اتفاق آمدند
 و ملک ایشان را ضبط نمودند پس از این خاندان در عهد پادشاهان دیگر انجبال بر همین منوال جاری تا
 یعنی ضبط اراضی و املاک امر او را عاظم تکمیل آن و مطیع ساختن عموم امر آنرا آنچه باید و نشاید صورت انجام
 نیافتند و در او از سال هجدهم عیسوی در بین این زمان طویل کرد تا نزع بر خاسته نمایان فرانس بنگلند
 و بنگلند بسیاری از خاک فرانس گرفت در صد سال پانزدهم مگر نزدی مجتهد و از کت بداد و صد سال شانزدهم
 و هجدهم خصوصیتی که بود منسوب تاریخ فرانس نزع نمایان و هجدهم مرن کنیک پرستند بود
 و نیز ترقی علم و فنون و هنرهای فرانس که آغاز شد از طریق پادشاه لوئیس اول (از ۱۲۴۲ تا ۱۲۷۵) -
 انقلاب و قوه عظیمی برپای نمود که در سال ۱۲۷۱ در ولایت فرانسه در رون و در خلق ملک در
 کالیف اوقات در افتادند - این انقلاب که چون تاریخ انجام پدیدار گشته زانی پیش بود یک تاریخ بزرگی
 وارد گردید چه کلمه پیش از این نمی نویسم و چنانچه از این بین انقلاب و قوه آن فتنه که اجزای مجلس شورا
 فرانس سه قسم بودند عاظم کبار و علماء و کلمای فقه که تا به این می رسیدند چیزی را از آنجا که بنزله کامن
 انگلند بودند در مجلس لوئیس اول و این متذکر که عاظم علماء در این مجلس نشینند و تیر زانیا در مجلس
 این فتنه موجب کرده این کلمه است و این فتنه عظیم گشت که این کلمه آن یکی از همین معتبر تاریخ خود
 تفصیل منسوب که عداد از مر و جوان هر ضلعی که با فرانس همسایه است با باشند از ۱۲۲۵ تا ۱۲۲۲
 با بنگلند این آتش فرانس است از شعله با بنگلند که در آن طاعت نهادند و سلسله قضایا و شکری جبار که سپید
 دانستن تلپون بفرانس بود - در بین این زمان هم ضلعی که فرانس را بود که با اقسام جدیدی
 یافت که ۸۶ ضلع گشت و هجدهم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم

سلسله پادشاهان
 سلسله پادشاهان
 سلسله پادشاهان

کتابخانه